

قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

۷۰ تن در مونیخ کشته شدند:

بزرگداشت حکومت بختیار

در میان شورا تکبیرترین تجلی است احساسات بسیار از ۷۰ تن از اعضای طرفداران نهضت مقاومت ملی ایران در شهر مونیخ (آلمان غربی) عصر روز یکشنبه ۹ فوریه مراسم بزرگداشت حکومت ۲۷ روزه دکتربختیار برگزار شد. نواختن سرود ملی ایران، بیام را دیوبی دکتر بختیار و سرجمان مبارزان رجمانی ملت ایران بکسب مناسبت سالگرد فتنه خمینی محسوس گردید. بیام دکتر بختیار در میان کف زدن های ممتد و طولانی حاضران رسد و آنگاه حدیثی از عقیل نهضت مقاومت ملی ایران در مونیخ بیامند نما بندگی ارجانب جوانان، زسان، ترکتگان در مسئله مسائل و راههای امروز ایران و سایر کارها و اقدامات فکری و فنی استبداد دینی بختیار گفتند. یکی از بانوان قطعه سمری مینی را دکلمه کرد، گداین مساز بر نامه با استقبال سرور حضار روبرو شد.

آنگاه آقای سیمان غوثیضت مقامات ملی ایران طی سخنرانی مفصلي بکسب تشریح اوضاع و شرایط حاکم بر جامعه ایران در سال ۱۳۵۷ پرداخت و غلغل و انگیزه های راکد منجر به فتنه استولیت نهضت و برتری از سوی دکتر بختیار شد. مورد تحریک و تحریک فرار داد. وی در بخشی از سخنان خود سبب از سارده شدارها و سبب سبب ها و موضع گیریهای دکتر بختیار در دوران نهضت و زیر سبب و سبب اقدامات حکومت ملی او اظهار داشت: " امروز من از ۷ سال، بختیار سبب نیست. میلیون ها ایرانی بکسب عدالت و آزادی با او همراهند، بر سبب حقانیت او در کوره آزمون های سخت این دوره ۷ ساله به تحریک درآمته اند.

نقشه در صفحه ۱۲

نابودی تأسیسات بمبار

نفت گناوه

خبرنگار ویژه قیام ایران از تهران طی یک گزارش ویژه جزئیات حمله شکاری بمبارکن های عراقی را بر تاسیسات بمبار نفت گناوه به نقل از مهندس فان درف، سرپرست طرح بمبار نفت می دهد. طی این گزارش درمی یابیم که حکومت بی کفایت و ضعیفی رژیم خودگامه دینی، بدون آنکه برای دفاع از تاسیسات عظیم ۴۰ میلیاردری تجهیزات لازم بپردازد، فراموش کرد، طرحی را بکسب مرحله پایان رسانده بود، که اگر بکسب بهره برداری می رسید، می توانست جانین پایانه بارگیری خاکرک شود، نیروی هوایی دشمن با استفاده از سهل انگاری و عدم مسئولیت مقامات مسئول روز سوم بهمن ماه با حمل های دقیق طی سی دقیقه همه تاسیسات را نابود کرد. بطوریکه با بدکف در حال حاضر بمبار گناوه با خاک یکسان شده است.

نقشه در صفحه ۳

هادی بهزاد

ارتش ملی ایران

زندانی جماران را می لرزاند

ارتش ملی ایران در فاصله ی چند ماهه نمونه ای از این انقلاب سواستی است. بی خبر که اگر " این جا " قامتی از تیره ی شاهوردی ها و عزیزمرا دی ها به خاک و خون می غلتد " آن جا " هزاران عزیزمرا دی و شاهوردی، کمر بسته و آماده ظاهری شوند.

نقشه در صفحه ۲

بی گورستان ها ردیف کرده است، آنها ر حیات می کند و وحشت خود را می پوشاند. در نما یتر قدرت، کارگردانی صحنه ها را به خویشاوندان خود آدمکشان حرفه ای - با دستمزدهای کلان مقاطعه داده است اما در هر صحنه ای شاهدی از ترس تحویل می دهد. قتل دو تن از افسران

مافیای مذهبی، موسوم به " نخستین حکومت الله در کوهی آرض " پس از هفت سال تکبیر بر تیغ وزندگان و زور، هنوز از شیخ ضد انقلاب می نالد و می لرزد و نیز از سایه خود بیمناک است. با کشتارهای کجی یک روز متوقف نشده، با زندان های کجی که در کتا زندان ها بالا برده، با گورستان های کجی که در

کارشناس مسائل بین المللی بحرانیها:

جمهوری اسلامی بخت پیروزی ندارد

بهمن واسفند، به حمله های نشانی کسب کرده بی دریا شلاق ها دست زندی با تکبیرا عواج انسانی، به سوی بصره حمله ور شود. سال گذشته، بیش از هجده هزار تن از نیروهای ایرانی در این بخش از جبهه کشته شدند و بدی بی ست اصرار ملایان جنگ طلب به انجام یک تعرض جدید، به دادن تلفات سنگین انسانی دیگری انجام بدکف از دیدما غربیان، کلا " غیر عقلایی ست.

نقشه در صفحه ۱۲

ژنرال " هاشمی آرو "، کارشناس مسائل بین المللی و مسئول پیشین تحلیل و بیتر بیتی بحران ها در همه نقاط داغ جهان در وزارت دفاع فرانسه، در مقاله ای که در هفته نامه فرانسه، اکسپرس به چاپ رسیده است، نتایج بین بست مناقشه جمهوری اسلامی و عراق را بررسی کرده است.

ژنرال " هاشمی آرو " در مقاله خود، می نویسد: جمهوری اسلامی، دیگر آرز لازم و اجتناب ناپذیر برای خرید هواپیما های جدید، هلیکوپتر، تانک یا موژک ندارد. در نتیجه، بخت آن را ندارد که جبهه عراق را در هم شکند. از سوی دیگر، هیچ یک از کشورهای بزرگ صنعتی حاضر نیست این جنگا فرا را با جمهوری اسلامی بشوید. جنگ افزارهایی که ممکن است تعادل جنگ را دگرگون سازد، ژنرال فرانسوی یادآوری می کند که رژیم تهران، امروز، از حیث دریاقت جنگ افزارهای سنگین، مورد تحریس عمومی قرار دارد. تنها سوریه و لیبی و کره شمالی و چین، سلاح هایی به آن تحویل می دهند.

جمهوری اسلامی پول ندارد، بشوید استراتژیکی ندارد و در نتیجه، با وجود هجوم های گاهگاهی، درین بست جنگی گرفتار شده است که می خواهد آن را تسه نقطه پیروزی، دنبال کند و حال آن که امکان برود در یک نبرد تعیین کننده را ندارد. با این همه، در تهران، هواداران یک تعرض تازه، قوی و فعال هستند. وزیر کشور، وزیر اطلاعات و امنیت، وزیر باسار ان انقلاب و همچنین احمد خمینی، پسر آیت الله خمینی که یک جناح بسبب دگرا را در میان جناح های قدرت در رژیم اسلامی هدایت می کند، از جمله هواداران انجام یک تعرض جدید هستند.

ژنرال " هاشمی آرو " که مقاله وی در آخرین شماره هفته نامه فرانسه، اکسپرس به چاپ رسید، می نویسد: احتمال دارد که جمهوری اسلامی همانند سه ساله گذشته، در ما های ایرانی

دکتر صدیقیه:

معاهده ۱۹۷۵ و

جنگ ایران و عراق

در صفحه ۵

هشت سالگی یک انقلاب:

شکست بزرگ

در صفحه ۱۱

فریدون رختا

یا ایها المؤمنون لا تسئلوا

(ای کسانی که ایمان آورده اید، سئوال نکنید.)

" میزبان بنویس بختیاری - ساواکی "

این لقبی است که آقای مسعود جوی به بنده تا جیز رحمت فرموده اند.

در شماره ۱۱ جمعه ۱۱ بهمن ۱۳۶۶ روزنامه مجاهد، زیر عنوان " طرح شورا و سوز و گداز بختیاری ها " مقاله ای چاپ شده است که ظاهرا " جواب آن چند سطر است که بنده در شماره ۱۳۰ قیام ایران زیر عنوان " توان عملی و ظرفیت ایدئولوژیک " نوشته بودم.

اصولا در نشریات آقای مسعود، دو نکته قابل توجه و تامل است:

یکی اینکه عادت به بددهنی دارند، یکی بنده خدائی یک جایی، با کلی ادب و

نقشه در صفحه ۴

احترام که ابواب جمعی آقای مسعود و یا با نورمیر می کند، یک حرفی میزند یا یک سئوالی میکند. از آنجائی که در مراسم و مسلک آقایان، قانون " لا تسئلوا " به شدت اجرامی شود، هفته بهبه، آقای مسعود، در روزنامه اش دهه انبهار فخر و ناسزارا می کشاید و الفاظ رذال و رذیل و رذالت و دنی و دانی دناشت را بر سر گوینده سرازیری می کند، علاوه بر اینکه روزنامه ای که آن حرف یا سئوال را چاپ کرده به عنوان " ننگین نامه " - " ورق پاره " - " لجن نامه " و غیره مفتخر میشود...

ارتش ملی ایران

زندانی جماران را می لرزاند

شبهه زلفچه ۱

دردی در میان " زندانی منفور جماران " از همین جوش پانان نا پذیر غیرت ها است .

اما مقوله ای دیگر : سرنوشت این دوسریا زجان نوازو صدها هزارها از این گونه مردان تسلیم نا پذیر، خواه ناخواه دهن ما را به سوی خاطراتی آمیخته به حسرت و افسوس سوق می دهد، با یاد های آزار دهنده که ارتشی را با این همه توشه زغیرت و شهور و ایثار، چه پیش آمد که بهنگام گذر از سنگلاخی لنگ زدوی هیچ مقایسه قربانی شد؟

این حمله های دما دم، در این روزگار آکنده از مرگ و آه و اشک کجا و آن حیرت و درما ندگی کجا؟

ارتشی که زخم خورده و دست خالی با مهاجمی تا دندان مسلح چنین شجاعانه گلاویز است و غوغا میکند و به دفاع از هر ذره خاک و وطنش قهرمانان می جنگد، مگر از تیار همان ارتش نیست که با ایلغار مثنی ملای مفتخور و ضدا ایرانی از پای درآمد؟

کجای کارش لنگ بود؟ چه کم داشت؟ و چرا کم داشت؟

مردانی که در زیر ضربات بی درپی دشمن خائلی و بی رحم انواع تخفیف و آزار و سرکوب، بر سر پیمانی مانده اند و جورانه به کلمه ای

" فداکاری " تجسم جان می دهند، در آن روزهای تپ آلود کجا بودند؟ آن صدها سربا زودرجه دار و آفسردیکس که جان بیک در قهرظلمت اختناق، قیام ملی (۱۸ تیر ۱۳۵۸) را سالوده ریختند، و آنگاه که عرصه را باختند، در برابر جوخه های اعدا م و چشم در چشم ملایان حاکم جنا پیکار، با فریاد عشق، برده های سبک کت را دریدند، در آن و آنجا چه شد که خاموش مانده بودند؟

ارتشی که امروز مثل خار در چشم دشمن درونی می خلد و متجاوز خارچی را بستوه آورده است، مگر از سلاهی همان ارتشی نیست که در بلوای خانما نوز ۵۷، همچنان، هزاران محقق و جفا نگیری و مهدیون و عزیز مرادی و شاهوردی با خود داشت؟ پس چه روی داد که جنبیده بجان شرافت اندند و تکه تکه اش کردند و دم بر شیاورد؟ - چرا به نهیبی میدان را خالی کرد و به صاحب مرگ سپرد؟

آیا برای نخستین بار پشت " محالی " تکتک و استثنائی بتمام معنا، استثناء رخ داده است؟

با سخ زمان متفی است - زمانی که عمق فاجعه را شکافته و پیده ها را بالا زده و به قضاوت امکان داده است، روایت می کند که توطئه، البته در پیگیری ارتش نیز ریشه بسته و سوساندن را آغاز کرده بود، و لسی نه چندان که فقط بتکانی، بی هیچ پایداری متلاشی شود.

واقعیت این است که ضربت کساری، پیش از آنکه بدست انقلابیها فرود آید، از قلعه های خود ارتش فرود آمد.

آخوندها پس از دستیابی به کنج با آورد، بنهان نکرده اند که سیادت و غلبه را چنین سهل الوصول به خواب هم نمی دیدند! ما فرماندهی ارتش، این خواب طلائی را بسرای ملایان خونریز تعبیر کرده و گفت تا ما هستیم، تا امید نیا شد.

کدهی حرارت دوبند، انفراس، از پوسیدگی قلعه ها بود که بخودی خود هیچ در چینه نداشت - از هیبت صوری نظام نقشی میکشید

و هیبتی نشان می داد، ادها البته گوش را میخراشید، نشخوار و نشخوار که بنجمین ارتش نیرومند جهان را ما پیشوا و فرماندهیم، بزرگه و موسم امتحانی لازم بود که پیشربیا پید و مجسمه های برفی را آب کند - قانددین دست اول قدرت مسلح بی درنگ به اولین صف تسلیم پیوستند و در پشت امام بسا دستبازگی سجاده انداختند.

و بدینگونه تاریخ با یکی از زشت ترین چهره های خود تکرار شد و با تقاوتی حکایتی را با زکفت که " وقتی مغولی در رهگذار خود با جمعی روستائی روبروگشت، به آنها فرمان داد همین جای مقام کنید تا من به خانه روم و تیغ برگیرم و سرهای شما زن ها جدا کنم، آن گروه لرزان در جای بمانندند و مغول رفت و با تیغ بازگشت و سرها شان یکایک ببرید " - و تقاوت در این است که آنجا مغولی بود، جنگنده و شجاع و گروهی روستائی

لرزان و بی سلاح، و اینجا، آخوندی بود پر صدا و گروهی به ادعا جنگ آور و پهلوان!

و بیچاره لرزان قربانی شدن ارتش را با آن ذخیره بزرگی که از جسارت و شهور با خود می کشید، در کنار چنین معلوماتی باید شناخت. حرف، حرف می آورد. به بینید حالا چه عنایری بیبانه خیر خواهی و مملحتا اندیشی، اما از بیم افسای واقعیت ها، موعظه می کنند که گذشته را با بدفراموش کرد و به داوری تاریخ واگذاشت و در حال از آن دم نزد

آیا راستی فاجعه آنقدر حقیق است که بهمین سکوت و دل آرا می رها یشر کنیم؟

باید و بالاتر از " باید " این یک فریضه واجب است که واقعیت را

ایرانیان و وطنخواه در عصر ایلغار ملایان خونریز ثبت کرده است. امروز ارتش ایران، هویت خود را نشان می دهد، میداند چرا؟ زیرا که به خانواده خود، به ملت با زکفته است.

روزگاری دراز ارتش از خاندان خود جدا بود، از آن حجاب پوسیده فرماندهی کاری جز این بر نمی آمد، پس این فاصله میان ارتش و ملت را جعل کرده بود تا ابهت بی مایه و دروغین خود را قالب کند و چنین بود که تصور هولناکی از ارتش نقش گرفت (یکسو تیغداران خشن و نیرومند که ما فوق قانوندوسوی دیگر مردم دلیل کسه محکوم با طاعتند) و با این تقسیم بندی، مردمی از تبار و طایفه ای واحد را رودروی یکدیگر می نشانند و طبیعتی است که بغض و عناد می آفرید.

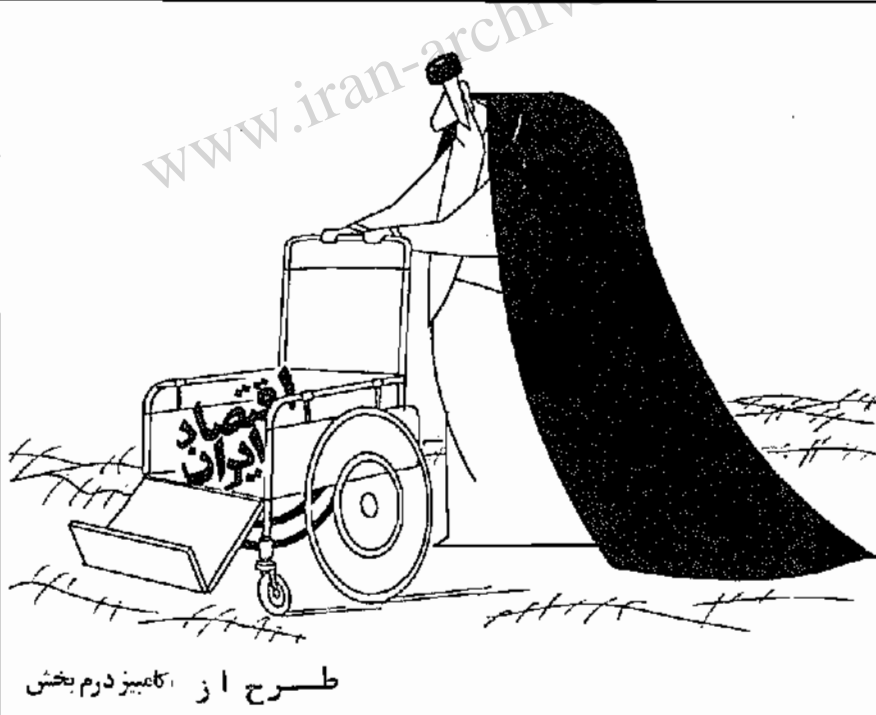
اما امروز ارتش محبوب ملت است، یک ارتش بنام معنا ملی است زیرا حجاب جدائی فرو افتاده است، آخوندچنا پیکار به شیوه گذشته فراوان تقلا کرد، بلکه این حجاب را با سازی کند و بساط گذشته را این بار بسود خود بگسترده، و لسی موفق نشد، ارتشی که به جوهر ملی بود، به این خفت ن در سداد و جانب خاندان را برگزید - خصومت رمالان حاکم با ارتشی ها را در این خط جستجو کنید، این احیاء پیوندهای ملی است که ارتش ایران را به صف اول جبهه مقاومت ملی سوق داده است.

شیروی ارتشیان ما که در پیکار با دشمنان درونی و بیرونی وطن، جان می یازند و حیا می یازند، در هوای امروز قابل درک است.

سربا زودرجه دار و افسران ارتش ملی ایران، بارفع آن حاجی که از ملت جدا ییش می ساخت، در قلیب خاندان ملی خود جوهر ملی گسرا و علت وجودی خود را یافته است.

تشخیص داده است که ستا بسش در بتخانه نه در شان او و نه در رسالت اوست، آگاه است که برای " چه " و بخاطر (که) می جنگد و از جان مایه می گذارد.

ارتشیان ما امروز و دیروز را مقایسه می کنند، علت درما ندگی و عجز دیروز و منشاء قدرت و جسارت امروز خود را میجویند. می فهمند، این جسارتی که در هستی شان موج می زند از کجا است؟ می دانند که دست خالی را چگونه باید جبران کرد، در دپیکره ای مجروح و ضربت دیده را چه سان باید تسکین داد، و خنجرهای تیزی را که ز قضا قلب ها را نشانه گرفته اند چطور باید شکست. عنوان سزاوار و پورا افتخار " ارتش ملی ایران " بر ارتش ما مبارک باد.



طرح از اکسیر درم بخش

رادیو ایران ساعت های سخن رسانه

برنامه اول

ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ و ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران : روی امواج کوتاه - رده های ۳۵ متر (فرکانس ۱۱۷۵۰ کیلوهرتز) ۳۰۱ متر (فرکانس ۹۵۸۵ تا ۹۵۹۲ کیلوهرتز) ۲۱۱ متر (فرکانس ۱۳۷۰ کیلوهرتز) و ۹۲ متر (فرکانس ۳۲۴۷ کیلوهرتز).

برنامه دوم

ساعت ۵/۳۰ تا ۶/۳۰ روی امواج کوتاه - رده های ۳۵ متر (فرکانس ۱۱۷۵۰ کیلوهرتز) ۳۱۱ متر (فرکانس ۹۶۰۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۲ تا ۲۲/۵۵ به وقت تهران : روی امواج کوتاه - رده های ۳۵ متر (فرکانس ۱۱۶۲۰ کیلوهرتز) ۱۹۰ متر (فرکانس ۱۵۶۵۰ کیلوهرتز).

تلفن خبری

همه همسایر بخیر!

خبر و تلفن خبری همیشه بنا و دست خط است. سزاوارترین اخبار و اخبار برای ایران و خلیج فارس و دریای عمان است. شماره تلفن: ۲۲۶-۲۲۶-۲۲۶

بکاویم تا بدانیم ارتشی که بیکره اش تجسم شهرو جلا دات و مظهر کامل عا ظفه ملت خواهی و وطنپرستی بود چرا دست بسته بکام ازدها کشیده شد؟

انگیزه ای این تحقیق، حق ارتشی است که چراغ امید ملت را روشن نگاه داشته و درفش پیشا هنگان علیه بر ظلم را بدوش گرفته است. این ارتشی است که با خون خود خطر کرده و از درون تاریکی محض، پیام ملت را در دنیا پراکنده و به مردم عالم رسانده است : آخوندها دروغ می گویند، درکنار زندان ها و درون زندان ها، در کنار جوخه های مرگ ویرا بر جوخه های مرگ ملت ایران زنده است و تسلیم نگشته است.

تاریخ ایران، قیام (۱۸ تیر) را بعنوان نخستین بازتاب مقاومت و مظهر پیوند نظام میان و اکثریت قاطع

آخوند " قدرت طلب " تنها در میدان خالی، قدرت نما است. اما در بیخ و دردد، درست در همان زمان که بیاد چهره ای بنشانه ای مقاومت ظاهر شود، و ارتش برای نخستین بار، قانون شکنی را رها کند و به دفاع از قانون برخیزد، چرخ فرماندهی، در کف کسائی بسود غرق در غایت هراس و ذلت، به مثل طبل های بی بودند، بلند آواز اما میان تهی - به صورت تکتا بخوای پر زبور و رستم سولت و به جوهر تابخواهی ترسو پوسیده، و پیدا است که معامله با چنین عناصری، فوق العاده آسان بود، به پیش از یک امضاء نیا زنداشت و زمان حالا ناش می کند که ایسن دادوسته، از ما هها پیش و در زیرس نقب ها به پایان رسیده بود. پس این جوهر مردمی ارتش نبود

گزارش اختصاصی ایسنا ایدان

نابودی تأسیسات پمپاژ نفت گناوه

توضیحات مهندس وان درف، مسئول هلندی
تأسیسات گناوه به خبرنگار قیام ایران در تهران

دراولین ساعات بعد از ظهر پنجشنبه، سوم بهمن، هوا پیمایای عراقی چهار راکت را با هدف کبیری بندرگناوه کوفتند و آن را یکلسی منهدم کردند. پروژه‌ئی که مهندسین هلندی به مبلغ ۲۰ میلیاردریال طی چندماه به کمک مهندسین وکارگران ایرانی شرکت نفت پیاده کرده بودند، درگمتر از ۳۰ دقیقه از میان رفت. دولت ایران که این پروژه را فوق سری نگه داشته بود، در نظر داشت که با یک معرکدی تبلیغاتی فعالیت آن را در روزهای "دهه فجر" اعلام کند و از این طریق ضربتی نو میدی آورد. انهدام تأسیسات بارگیری نفت جزیره خارک را تخفیف دهد.

پروژه‌ئی را که مهندسین هلندی اجرای آن را در بندرگناوه برعهده داشتند، یک مرکز مدرن پمپاژ نفت بود. این تأسیسات در نیم کیلومتری ساحل، در میان یک گودی به قطر صد متر، احداث شده بود. شرکت هلندی در حوال وحوش این مرکز یک کمپ بزرگ، با یک سالن غذاخوری وسیع، بسیاری کارکنان ایرانی احداث کرده بود. کارکنان و مهندسین هلندی نیز برای خودشان کمی جداگانه و حدود سه کیلومتری دورتر از مرکز تأسیسات احداث کرده بودند که مجهز به انواع وسایل زندگی مدرن، اعم از زمین ورزشی و سالن نمایش فیلم و حتی میزهای بیلیارد و بیلگ بود که هوا پیمایای هلندی مستقیماً از آنستهرام وارد کرده بودند. به گفته "فان درف" که یکی از مهندسین هلندی است و در احداث این پروژه‌ها ماها در بندر گناوه زندگی کرده است، اگر آفتاب و گرمای استوایی جنوب را میشد فراموش کرد، مهندسین خود را در هلند می یافتند، سکه در جمهوری اسلامی مقید به ظاهر ساز زیبا، مذهبی، هوا پیمایای عراقی بعد از ظهر پنجشنبه را برای بمباران این تأسیسات برکزیده بودند، چون کارها به علت تعطیلی آخر هفته متوقف شده بود و کارگران خارجی و مهندسین ایرانی سالن نهان خوری را ترک کرده بودند و بجز چند کارگر ساده ایرانی دیگر کسی در حوالی تأسیسات وجود نداشت. بدتر از همه آنکه از این تأسیسات بهره‌زین و فوق سری تنها یک توپ ضد هوایی حفاظت می کرد که بر روی برج بلندی نصب شده بود. از این توپ عادی پدافندی در برابر غارتگری هوا پیمایای فوق مدرن عراقی کاری بر نیامد. یکی از مهندسین ایرانی تعریف می کند که سازه پس از اصابه راکت ها، پدافند به کار افتاد، اما احتراقی که در اثر بمباران ایجاد شد بقدری شدید و چنان موثر بود که بشکلی مهمات مستقر در برج را منفجر کرد و هم توپ و هم توپچی را از بین برد. همین مهندس تعریف می کند که دوتا از چهار راکت

آن نا توانی خود را در صدور نفست پنهن دارند و چنین وانمود سازند که قصد دارند تا در برابر توطئه‌ئی که شش بهای نفست در با زارهای جهانی "از صدور نفست خودداری کنند. برای آنکه نمایش خوب روی صحنه بیاید، حتی میرحسین موسوی، نخست وزیر، اظهار داشت که ما مورانی را به کشورهای همسایه عضو اوپک فرستاده تا این کشورها را به پیاداری در برابر کاش بهای نفت تشویق کند. از آنجا که پیروزی عظیم بندرگناوه سری نگه داشته شده بود و در برابر ابرویع مربوط به نفت مسئولان جمهوری اسلامی به تحریف حقایق و ارائه شعارهای توخالی وواهی می پردازند مردم از آنچه در پشت پرده می گذرد بی خبرند.

بمباران تأسیسات نفتی گناوه مهندسین خارجی و کارکنان ایرانی را به یک اندازه متعجب کرده است. فعالیت‌هایی که ماه‌ها سری نگه داشته شده بود و از وجود آن تعداد انگشت شماری با خبر بودند درست در زمانی هدف بمباران قرار گرفت که عملیات احداث آن پایان یافته بود، و در ساعتی مورد حمله قرار گرفت که معلوم بود کسی در آن حوالی نیست و در روزی حمله صورت گرفت که فردای آن تعطیلی آخرفته بود. مهندس "فان درف" میگوید: خوشبختانه کارکنان خارجی در این حمله تلفاتی نداشته‌اند. کارکنان خارجی شرکت هلندی فردای روز بمباران تمامی به شیراز برده شدند تا از آنجا به هلند پرواز داده شوند. عصر همان روز بمباران، مسئولان جمهوری اسلامی با هلی کوپتر برفراز تأسیسات خاکستر شده پرواز کردند تا موقعیت را از نزدیک مورد مطالعه قرار دهند. به گفته‌ئی یک مهندس ایرانی شرکت نفت "وضعیت کاملاً مایوس کننده" بوده است. بنظر می آید که با انهدام تأسیسات نفتی بندرگناوه، در نیمه با صدور نفت به روی خمینی بسته شده باشد.

خدای اینان کیست؟

هفته‌ها به دراسوی "نول اوپراوور" بر عنوان "اسلام در قرآن" جسد گزار و مصاحبه در باره اسلام و مسلمانان و واس کرابی اسلامی به جا برسانده است. "نول اوپراوور" در مقدمه، مصاحبه خبرنگارش با محمد آرکن "روشنگر مسلمان عرب و استاد دانشگاه سوربن می نویسد: نزدیک به صد میلیون نفر در قرآن، خود را مسلمان معرفی می کنند. بیشتر آن ها خارجی‌ها هستند که از یک دوچین کشور اسلامی سخنرانند آمده‌اند. خدای آن ها کیست؟ آیا خدای آن ها خدای خمینی است که انسان را به کشتن و کشته شدن دعوت می کند؟ آیا خدای آن ها خدای خدای ست که سوخت در کوره، تروریم بین المللی می ریزد؟ آیا خدای آن ها خدای خدای جنس‌های وایس کرابی است که قطع دست سارقان با آره برقی و سنگ ریزن را زناکار را توصیه می کند؟ یا آن خدای آن ها، خدای حکیمان و فرزانگان اسلامی قرن هفتم هجری قمری است که فرهنگ آزادی را حتی تا قلب اروپا به ارمغان آوردند؟ در این مصاحبه، محمد آرکن، روشنفکر مسلمان و استاد دانشگاه سوربن در سراسر این سرتکه‌آیی توان امروز بدون دست زدن به جنایت‌ها می گوید، ایران بدام قرآن انجام می شود، مسلمان بود می گوید: من واپس کرابی اسلامی را که اصلاً ربطی به اسلام ندارد محکوم می کنم. در حقیقت، اختلاط سیاست و مذهب است که مذهب واپس کرابی را به وجود آورده است.

پیروزی فرزانی بر جهل

اعضاء و طرفداران نهضت مقاومت ملی ایران در استرا سبورگ فرانسه بعد از ظهر شنبه (اول فوریه) سالگرد تشکیل حکومت ملی دکترنا سوربختیار را گرامی داشتند. در مراسمی که با سخنرانی و حضور گروهی از ایرانیان مقیم این شهر ترتیب یافت برسی از نواختن سرود ملی ایران یکی از اعضای کمیته اجرائی نهضت مقاومت ملی ایران تا خه استرا سبورگ به تشریح سابقه تاریخی مبارزات ملت ایران با اعضای کسب آزادی و دموکراسی و حکومت قانون پرداخت. سخنران با ذکر مثالهایی از گوشه‌های مجدانه رهبران ملی از آغاز مشروطیت تا به امروز برای احیای دموکراسی و استقرار حکومت قانون اظهار داشت: حکومت ملی دکتر بختیار نقطه اوج و نتیجه منطقی این مبارزات بود. سپس یکی از اعضای نهضت مقاومت ملی ایران اوضاع و احوال اجتماعی و شرایطی را که منجر به نخست وزیری دکترنا سوربختیار گردید مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. وی اظهار داشت: "دکتر بختیار که سالهای بسیاری از عمر خود را وقف مبارزه با ظلم و استبداد آزادی و دموکراسی کرده است در لحظه‌ئی که فرصت اجرای هدف‌های نهضت ملی ایران فراهم گردید، برای تحقق این هدف‌ها و علیرغم مخالفت‌های گسترده‌ئی که وجود داشت قبول مسئولیت کرد. دکتر بختیار، مبنای کار حکومت خود را بر خواسته‌های تاریخی و ملی مردم ایران قرار داد و با واقع بینی و بدور از هرگونه خیا لیا فی، چارچوب یک جامعه دموکرات را پیشنهاد کرد." سخنران سپس به تشریح برنامه دولت ملی دکتر بختیار پرداخت و افزود: سه اصل اساسی آزادی - استقلال و حاکمیت ملی، ستون فقرات برنامه حکومت ملی بختیار را تشکیل می داد، اصولی که تحقق آن‌ها می توانست تا من به روزی جا مده ایران کرده و این امیدا در دل‌های مردم ما شعله و سازه که سرانجام پس از یکصد سال مبارزه بی وقفه، ملت ایران به خواسته‌های دیرین خود دست یابد. دکتر بختیار سرخنده و خواستار جدایی دین از حکومت بود و مردم ایران را از سربردگی در برابر ملانیه که بهنا حق رهبری قیام آزادیخواهان ملت را غصب کرده بودند بر حذر داشت. وی با درایت و روشن بینی، استبداد دینی را که در راه بود به ملت با زشتا نند. بختیار اعلام داشته بود که آزادی و دموکراسی جز در پناه قانون برقرار نمی گرد و برای تحقق این امر تنها راه، تکمیل از قانون اساسی است که چارچوب مسئولیت‌های تمام نهادها را مشخص ساخته است. سخنران سپس به اقدامات اساسی رفوری حکومت دکتر بختیار و برای فراهم ساختن زمینه استقرار دموکراسی اشاره کرد و گفت: دولت ۳۷ روزه، بختیار با آزادی‌خواهان زندانیان سیاسی، تضمین آزادی تشکیل احزاب و سازمان‌های سیاسی و سندیکاها، اعطای آزادی قلم و بیان و انحلال سازمان‌های سرکوبگر، شرایط لازم برای برقراری دموکراسی و تحقق حاکمیت ملی را فراهم ساخت. و این فرصت بزرگی بود برای ملت ایران در یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخ حیات خود که از دست رفتن وی افزود: با این همه، علیرغم این شکست، ملت ایران امروز در پی هفت سال تجربه حکومت خونریز جمهوری اسلامی، عمیقاً دریافته است که برای استقرار آزادی و رهایی از سلطه حکومت خدا پرانی، تنها راه پیروزی ادامه مبارزه در صفوف نهضت مقاومت ملی ایران است که هر چند برای این نبرد عادلانه و برحق با دکتر بختیار و نهضت مقاومت ملی ایران است. که مردم میهن بسا در این سال‌ها علیه جو خفقان و اختناق حاکم بارها رهبر نهضت مقاومت ملی ایران را مورد تائید قرار داده‌اند. سخنران در پایان گفت: این مبارزه عادلانه سرانجام با پیروزی ملت ایران به پایان خواهد رسید و ما اطمینان داریم که مردم و وطنمان بزودی به رهبری نهضت مقاومت ملی ایران شاهد پیروزی منطبق و فرزانی بر دموکراسی و جنانیت خواهند بود. مراسم در میان استقبال پرشور حاضرانست به نهضت مقاومت ملی ایران و بی‌پخش سرود "ایران هرگز نخواهد مرد" پایان یافت.

دکتر صدریه:

معاهده ۱۹۷۵ و جنگ ایران و عراق

را - و او ایران در کنگونی با آتمای
کرمادو عروسه عموپوزای بهس
مضامین ملی ایران ، در ساره جنگ
ایران و عراق ، اسما ، جنوی
ایران و بالآخره سوه ، سرچورد
حکومت ملی جاسس جمهوری اسلامی
ساعت و سی آمدنای آن از نظرواد
- و لای ملی آتمه ایران باغبرای
سرس های سمان آورده است که
سوه سارانه سرکنگونی هم

س - آقای دکتر صدریه لطفاً فرمائید
که سرچورد سیم بنا و مت ملی ایران با
سنگ حکی که سن رزم صدمتی
جمهوری اسلامی و عراق حرمان دارد چگونه
است ، سبب مقاومت ملی ایران
جوانان تنخ نوری این جنگ خائنانه
سارها از ضرب دگتر سار سورتیا رهبر
سبب و از ضرب ارگان های رسمی سبب
با اطلاع همگان رسده است .
جواب - بر تزاری طبع بین ایران و
عراق ضرورتاً " بایستی بر مبنای
قرارداد مارس ۱۹۷۵ الجزیره و
معاهدهای که بر اساس آن قرارداد در
ژوئن ۱۹۷۵ در بغداد امضاء رسیده
است ، صورت پذیرد . معاهده ژوئن ۱۹۷۵
و ضامین آن با توجه به کلیه موازین
حقوق بین الملل تدوین و منعقد
سده و در دبیرخانه سازمان ملل متحد
هم به ثبت رسیده است و یک سند
معتبر بین المللی است که اعتبار آن
متین و محدود به زمان معین نیست
و بنا بر این اعلام القاء آن از طرف
خرنقایی که باشد به هیچ صورت
اعتباری ندارد ، مگر آنکه دو کشور
باز بر اساس موازین حقوق بین الملل
معاهده دیگری را بپذیرند ، آنرا
که بدیهی است چنانچه دو کشور دارای
انکار و منحنی کورگنایی نشاءند
چنین امری در حال حاضر ضرورت ندارد ،
در معاهده شیم معاهده بغداد که تاریخ
آن معاهده نسبت به قرارداد الجزیره
مواخر است ، طرق رفع اختلافات احتمالی
بین دو کشور صریحاً معین شده است و
لزم به ذکر نیست که در این معاهده
تاریخ بشریت توسل به جنگ به عنوان
وسله حل اختلاف بین کشورها بگلی
مردود است ؛ اما دوباره جنگ

ایران و عراق که مورد سئوال شماست ،
ضرورت دارد این نکته بدیهی با زهم
تکرار شود که هیچگونه نفعی برای دو
کشور همسایه ایران و عراق در ادامه
آن متصور نیست ، اگر در این
جنگ منفعتی متصور باشد بر سر
فروندگان اسلحه است و احتمالاً
قدرت هایی که بر تزاری ثبات و آرامش
در این منطقه را بسود خود نمی دانند
بجای سنگینی که دولت ایران و عراق
از لحاظ نیروی انسانی و اقتصادی
متحمل میشوند همه از آن مطلع هستند
ببیهودگی و غیر انسانی بودن این
جنگ را روشن می کند .
سئوال - آقای دکتر صدریه مسئله
دیگری که مطرح است موضوع حکومتی
روابط دولت ملی جاسس جمهوری
اسلامی با عراق است ، در این مورد
لطفاً توضیحاتی بفرمائید .
جواب - همانطوریکه در تشریح سیاست
غارجی دولت ملی از نظر نهضت مقاومت
ملی ایران آمده ، حسن روابط با همه
کشورهای جهان بویژه با همسایگان
از اصول سیاست خارجی حکومت ملی است
بدیهی است که روابط ایران و عراق از
این قاعده مستثنی نیست ، نکته ای که
قابل بحث است و در بعضی محافل به آن
اشاره می شود تصور غلطی است که بعضی از
رویاروپی با سیونالیسم ایرانی و
ناسیونالیسم عرب دارند ، فکری کنند
که ایرانیان و اعراب دشمنان دیرینه
می باشند و با اشاره به اختلافات تاریخی ،
این خصومت دیربیا را توجیه می نمایند و
آن را یکی از دلایل جنگ موجود بحساب
می آورند . در حالیکه بر اساس
واقعیات جهان امروز مفهوم ناسیونالیسم
یا ملی گرایی که ما بدان پای بنسند
هستیم با این طرز فکر کهنه و منسوخ
برتری یک نژاد بر نژاد دیگر یا سلطه
یک کشور بر کشور دیگر یا توسعه قلمرو
رضی نیست ، غرور ملی از طریق تحقیر
سایر ملل تحصیل نمی شود بلکه اقتدار
و افتخار ملی از راه اعمال حاکمیت ملی
در قلمرو ملی و خلاصیت اقتصادی و
فرهنگی بدست می آید اگر این مفهوم
معقول ملی گرایی را بپذیریم آن نظریه
متروک قدیمی که گویا هر ناسیونالیستی

با ناسیونالیسم مجاور در حال تضاد و
دشمنی است خود بخود مردودی گردد .
اگر اختلاف در تعیین قلمرو ملی و مرزها
موجود باشد میتوان گفت که دو ملت
ملی گرای مجاور در اتخاذ سیاست های
خود لایه دارای وجه مشترک و تشابهاتی
خواهند بود که در نتیجه منافع ملی آنها را
متباین نمی کند . منافع ملی آنان
اگر هم منطبق نباشد در گنا ره سیم و
موازی هم قرار خواهند داشت به این
دلیل است که توسل به معاهده ۱۹۷۵
بغداد در آن که حل و فصل اختلافات مرزی دو کشور
در آن صورت عادلانه میسر میسر شده است ،
سنتح هر دو کشور ایران و عراق تشخیص
میدهم . یک نکته دیگر هم قابل ذکر
است و آن آنکه هیچ حکومتی در ایران
علافاً قادر نخواهد بود بخود اجازه دهد
بالبو یا نادیده گرفتن این معاهده
یک وجه از قلمرو ملی ایران را بیسک
دولت خارجی واگذار کند .
سئوال - آقای دکتر صدریه شما به
معاهده ژوئن ۱۹۷۵ معاد اناره
می کنید ، در حالیکه می دانیم که عراق
قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره را بی اعتبار
اعلام کرد در صورتیکه معاهده ژوئن
۱۹۷۵ بغداد بر اساس آن قرارداد
یعنی قرارداد الجزیره منعقد گردیده
است . این مسئله را چگونه توجیه
می کنید ؟
جواب - تصور می کنم اشاره شما به
نظریه رئیس جمهوری عراق در برابر
مجلس ملی عراق در شانزدهم سبتمبر
۱۹۸۰ یعنی یک هفته قبل از شروع
حمله نظامی عراق به ایران است که
مشارالیه در آن سخنرانی گفت است :
قطعاتی از خاک عراق در تصرف
ایران است و بایستی به عراق مسترد
گردد و نیز محل ساختمان پست های
مرزبانی مشخص شود که به علت وضع
داخل ایران به عراق مسترد نگردیده
است و عراق ، مجبور است برای آزادی
خاک عراق به قوای نظامی متوسل شود
و بنا بر این شورای فرماندهی انقلاب
مارس ۱۹۷۵ الجزیره را باطل و لغو
اعلام کند . حال آنکه این تصمیم
شورای فرماندهی انقلاب عراق از نظر
حقوق بین الملل نافذ نیست و قابل
دفاع نمی باشد . زیرا اولاً هر چند
معاهده بغداد بر اساس اصولی است که
در الجزیره بر سر آن توافق شده است ،
اما در سیم رفع اختلافات دو کشور که
ضمن آن حدود مرزی مشخص شده است ،
معاهده ژوئن ۱۹۷۵ بغداد است که
همانطور که متذکر شد در دبیرخانه
سازمان ملل متحد به ثبت رسیده است ،
به این نکته استناد نمی کنم که در
عرف حقوق بین الملل اهمیت معاهدات
بیشتر از قراردادها ، موافقتنامه ها و
یا اعلامیه های مشترک است ، بلکه

عرض می کنم که بفرمایید اگر هم
ممکن میسد که قرارداد الجزیره را
آنطور که شورای فرماندهی انقلاب
عراق خواسته است لغو کند ، این
اقدام تاء نیری بر معاهده ژوئن ۱۹۷۵
بغداد که از نظر زمان نسبت به آن مؤخر
است نمی گذاشت ، علاوه بر آن هر نوع
توافقی که بین دو کشور معین به
امضا رسیده و از جمله قرارداد الجزیره ،
بطوریکه جایه قابل لغو نیست و باید
با توافق دوطرف باشد ، خصوصاً آنکه در
ماده شش معاهده بغداد صریحاً " مراحل
مشعد حل اختلافات احتمالی پیش بینی
شده است که از مرحله مذاکرات دو جانبه
شروع میشود تا تشکیل یک دادگاه
داوری مشترک که تصمیم این دادگاه برای
هر دو طرف لازم الاجراست و نیز طبق مساده
بنج همین معاهده اعتبار این معاهده
از نظر زمانی محدود نیست و در نتیجه
قابل لغو نمی باشد . این استدلال
که ایران به قسمتی از مواد مربوط به
توافق های مرزی عمل نکرده برای لغو
قرارداد از نظر حقوقی کافی نیست . بسا
اینکه عراق یا دادگاه های اعتراض آمیزی
نسبت به رور جمهوری اسلامی و بدخللات
غیر مشروع این رژیم در امور داخلی خود
به مقامات مختلف ارسال داشته است
ولی هیچ گاه اقدامات حقوقی طبق
ماده شش معاهده بغداد بعمل نیاورده
است . در نتیجه با زهم تکراری کنم که
معاهده ۱۹۷۵ بغداد وضعی است که بر اساس
کلیه موازین حقوق بین الملل با اعتبار
خود باقی است ، که بحث حقوقی آن
از حوصله این گفتگو خارج است .
سئوال - آقای دکتر صدریه آخرین
سئوال مربوط به مسئله خساراتی است
که در نتیجه این جنگ به ایران وارد
شده است ، بنظر شما از چه طریقی باید
حقوق حقه ایران در این مورد استیفا
شود ؟
جواب - مسلماً " تا از طریق جنگ " .
همانطور که در پاسخ به سئوال قبلی
اشاره کردم ، معاهده بغداد دارای
ماده ای است که در آن نحوه رفع
اختلافات احتمالی بین دو کشور
پیش بینی شده است . همه میدانیم که
اسناد و مدارکی که از نظر حقوقی قابل
استناد هستند ، قابل تجزیه نیستند ،
یعنی نمی توان کیفیت یک قسمت از سندی
را قبول داریم و قسمت دیگرش را
نمی پذیریم . بنا بر این برای رفع
اختلافات احتمالی مربوط به خسارات
نیز منطقی و حقوقی است که از طریق
تعیین شده در معاهده شش معاهده
بغداد اقدام کنیم . ابتدا برای
توافق نسبت به آن با عراق به مذاکرات
دو جانبه بپردازیم ، اگر آن طریق
به نتیجه نرسیدیم از مرحله بعدی و
سپس از سایر مدارک که در معاهده مذکور
پیش بینی شده است استفاده کنیم .

یا ایها المؤمنون لانسئوا

بقیه از صفحه ۴

کشی " تکرار شده است .
بنده و آقای مسعود که نوری این دنیا تنها
نیستیم . آدم های دیگر هم نوشته ، بنده و
نوشته " مجاهد را خوانده اند . (البته غیر از
خوانان معصوم طرفدار آقای مسعود که
حق خواندن چیزی غیر از مجاهد را ندارند)
این مردم میتوانند قضاوت کنند که از ما
دو نفر ، کدامیک به " جلیزولز " افتاده
است .
یک طرف بنده هستم که از گل نازک تر
به آقای مسعود نگفتم او اگر هم به صفت
پرروئی ایشان اشاره کرده ام تصدیق
می فرمائید که کمروئی و پرروئی فحش
نیست که تازه هر بار " پرروئی " آقای
مسعود در نوشته بنده مطرح شد ، یک
" ماشاء اللہ " بعنوان تحویذ چشم
زخم بدرقه اش کرده ام .
طرف دیگر آقای مسعود است که بنده را
بعد از آنکه ساوکی وی دین و فتنسا "
مقلد احتمالی منتظری خوانده ، به
مرتبه سگ زوزه کش تنزل مقام داده
است .

رسانده اند .
۵ - معاد : سنی سر ا حیات است سس
از سرگ که در آن را کفر و با دانی اعمالی
که در این حیان از آنها سر زده خواهد
رسد .
خصوصیات حیان ا حروی همانست که در
کتاب خدا (قرآن) خط به خط و نکته به
نکته آمده است .
" مسعود رحوی ۳۰ مردودین ۵۸ "
بگذریم . در این جواب آقای مسعود ، که
عرض کردم ، همه چیز هست غیر از جواب ،
نوشته شده که در اردو شده ، بختیار در مقابل
طرح شورای مقاومت پیرامون رابطه
دولت موقت با دین و مذهب به " جلیزولز "
افتادند ؛
" در این سان میل اینکه نوگویی اختیار
و دارو دست و پاکی های اطراف او پیش از
همه سوجه در جلیزولز آن سار در
سکین ساهه سان و در حیغ و داد قلم به
مزدان سار و اعنا " نما خانی است . "
در تمام مقاله ها با الفاظ " جلیزولز "
- " حیغ و صوباد " - سوز و کداز - " زوزه

بنده عرض نمی کنم ، شما بفرمائید
" جلیزولز " از کیست ؟
اما ... اما مهم تر اینکه ، " جلیزولز "
برای چیست ؟
این بر می گردد به همان سئوال کذاشی
دوماه پیش تر از آن ، که ؛ چطور شد در
میان اعضاء کادر مرکزی سازمان که
محکوم به اعدام شده بودند ، حکم در
باره بقیه اجرا شده و اعدام آقای
مسعود به حبس تخفیف یافت ؟
این بنده فتوکپی نامه ساواک به
داری نیروهای مسلح شاهنشاهی را
که در همان سال ۵۸ ، آخوندهای خمینی
منتشر کردند و در آن ساواک آقای مسعود
را بعلت " همکاری در معرفی اعضای
سازمان مکشوفه " مستحق " ارفاق و
تخفیف مجازات " اعلام کرده است ،
در اختیار دارم ؛ همینطور نامه آقای
دکتر کاظم رجوی ، برادر آقای مسعود
به رئیس ساواک را ، که از غذای تاخوی
به کشف حقایق سخن گفته و تقاضای
تخفیف مجازات او را کرده است . ولی
این ها را چاپ نمی کنم چون دیوار خانا
بلند است نمی توانند بگویند یا به هارا
" پدربزرگوار " دبروزی و " دجال "

فرهنگ ایران

یادداشتهای پراکنده

نوشته: مهرانین

سیری در احوال شمس تبریزی

چه گویم مرده بودم بی تو مطلق خدا از تو دگر بار آفریدم و شمس الدین در این خطاب یک واسطه است که خدا به موهبت وجود او در قافله سلسله مولوی به آفرینش تا زهای دست میزند که با آنچه بود هیچ سختی نداشتند و این سهل است در تفاد مطلق است. اما در این مخلوق جدید، غالباً "از آن وجود رفته همچنان با دهائی می جوشد" (در دست همیشه مصحفم بود) - و حال - (در عشق گرفته ام چغانه) - (آنقدر دهنی که بودت سبب) - (حال) - (شمس است و دو بیستی و ترانه) -

مولوی ازین دگرگونی سخت شادمان است. گوئی به ناگهان از زنجیر اسارتی پروردگار رسته است: مرده بدم زنده شدم، گریه بدم خنده شدم دولت عشق آمد و من دولت یابنده شدم دیده ای سیرت مرا، جان دلیر است مرا زهره ای شیر است مرا، زهره ای تابنده شدم اما - یک وقت، در تب و تاب شگولی و شیدائی احساس می کند، آن کس را که "واسطه" این خلقت و دولت است نشسته است، با زبان بوزش حرف خود را پس می گیرد و تصحیح می کند. دمی بکاف در میز آرزو و دمی زعفر و فری و حد و دو کون در گردی کیم، بگویم مسکین که با تومی مانم؟ فنا شوم من و دمن، چو سوی من نگری کمال وصف خدا و ندشش تبریزی گذشته است از او هام جبری و قدری و با زهم قدمی جلوتر بسوی پسرده دری و آنگاه به لفظی که تمام معنیهای شعرنا ب است، بی پروا حرف آخر را بر زبان می آورد: چو با باد بدم آن تویی و آتش تو و گرغریو کنم، در میان فریادی بی تو مغز تبریز شمس تبریزی مثال اصل که اصل وجود او یادی مثال اصل که اصل وجود او یادی

در "یادداشت های" متعددی که از زندگی مولانا داشته ایم طبعاً جای جای به احوال شمس نیز پرداخته ایم که بحق در تحولات تفری مولوی نقش تمام را و بازی کرده است. و این واقعیتی است که مولانا دما دم به آن اعتراف می کند و می گوید می وجود شمس کالبد بی چائی بیش نیست. در اندیشه گر بزرگ ما - زمینه های یک دگرگونی عمیق پیشاپیش آماده شده و تنها حرکتی، تلنگری، انگیزه ای لازم بوده است تا کار تمام شود که دست سرنوشت، احرای این رسالت را بعهده شمس واگذازمی کند. شایان توجه است که جوش چینی - انتظار را فرزند محبوبش (سلطان ولد) قبلاً درک کرده است، او میداند که پدر در آستانه ای یک دگرگونی است، اینک با دیدید، این آشنائی چه سان سرمی گیرد؟ در خلوت آن دو چه میگردد؟ جا ذبه این پیری قرار آوردند "آشوبگر" از کجا است؟ مولوی در جستجوی چیست که او با خود دارد؟

در این واقعیت محلی برای تردید نیست که "مولوی بی شمس" و "مولوی بی شمس" - دو وجود کاملاً بیگانه و از "بیگانه" سخت تر، دو عنصر متضادند، آنقدر که "این یک" دیگری را تائب نمی آورد. جذبه شمس چنان جاودانه و فراگیر است که مولوی با لها پس از ناپیدا نشی او و غلبه ای عادت و با آمدن قرار آرام نیز، بخانه ای اول بازمی گردد و پیدایش تا لحظه ای مرگ هم، هوای شمس را با خود میکشد.

با زگرش شمس می کردم عجب هم ز شمس باشد این سبب بهر حال این یک "امتزاج" شگفت انگیز و قابل تأمل است، و هر اندیشه و عقیده و برداشتی که در ذهن ما بر ویانند با زهم مسلم این است که "شمس یک وجود استثنائی است با قدرت تسخیری که اگر نتوانیم آفریننده، با دیدیم بریم که انگیزه ای یک تحول فرهنگی است، تحولی که هنوز هم اثر و ارزش آن محسوس است. فرهنگی که پشت قشریت را می شکند و میدان را به روی تکنازی آخوندقاسم در وقت در طلب می بندد. همه دشمنی ها که بر ضد شمس برانگیخته میشود، سربسته این سوای بت شکنی دارد.

متأسفانه نه فقط آن بارگران فرهنگی که شمس بدوش می کشد که گذشته عجیب این پیر معجزه گر، مانند بسیاری از زمینه های فرهنگی ما کس در خاریکی است. اگر مولوی در یک خالقان آندیشه است (که هست) ما هنوز از مایه های تحول فکری او، بحد سزاوار، با خبر نیستیم که بی تردید آگاهی به خصیبه فرهنگی شمس الدین، در این رهگذر از لوازم جستجو است. جستجوگریخته، اطلاعاتی از این رنند خیرین کار بما رسیده، ولی سخت ناچیز است، کسب این، خاموشی و چشم پوشی از فتنه را توجیه نمی کند، اگر آسای آگاهی بکمال فراهم باشد دیگر سخن از تحقیق چرا با دیدگفت آذ دشاری کار در همین نا پیدها است که باید پیدا شوند.

بهر حال آنچه از شمس و در قافله سرگذشت و شرح آشنائی طوفان زای او با مولانا، حتی از هم عصران او رسیده یا ناگانی وسطی و یا آمیخته به آسانه است و عقل را پاسخ نمی دهد. آنچه از احداث فلاحی (۸۷ سال بعد از درگذشت مولوی و فاقا درده است) در مناقب العارفین میخوانیم، نقلی است بر اساس آنچه فریدون سپهسالار (از مریدان و ماموران مولانا) آورده است و بهر صورت از یک بنای قابل قبول برخوردار نیست. عبدالرحمن جامی هم در مناقب الانسی، شرح افلاکی را با اندک تغییراتی دنبال کرده است، مچی الدین عبدالقادر (۶۹۶ - ۷۷۵) نویسنده کتاب الکواکب المصیغه، قضیه را به حدتهای می بندد کسبه شعبه با زبان را تداومی می کند - این یک را محض نمونه میخوانیم: "شمس الدین تبریزی در آمد و سلام گفت و نشست و اثار به کتبش کرد و برسد این چیست؟ مولانا گفت تو این ندانی - هنوز مولانا این سخن به انجام نرسانیده بود که آتش در کتب و کتب خانه افتاد - مولانا بر سر آمد این چه باشد؟ شمس الدین گفت: این نیز توندانی... و بعد توضیح می دهد که این واقع به عت شورش حال مولانا و توجه وی به شمس شد. روایت دولت شاه سمرقندی هم از همین قماش است و شرح سیاح مغربی (ابن بطوطه) هم چنان است که بقول استاد فقید فروزانفر "خلاف بدیهه ای عقل و از هر جهت بطلان آن مقطوع است" عجب این است که حکایت سلطان ولد نیز درک نموده است، اطلاعات فراوانی بدست نمی دهد. تنها یک جاکشش مولانا را به سوی شمس به رابطه موسی و خضر تشبیه می کند که پیش از آنکه گویای مطلب مفیدی باشد، تمثیلی است خدا پستانه و بهیچ روی با "حال و حال" مولانا نمی خواند، بنا بر این میماند، دومرغ قابل اطمینان که می توانست مایه دستی برای محقق شوند یکی آثار

مولانا و دیگر "یادداشتهای پراکنده" و زونیده و ناقصی که ظاهراً در مجالس شمس به وسیله سلطان ولد تهیه شده است و بهر تقدیر در این دومرغ نیز چونکنگی برخوردار مولانا و شمس بدقتی که منظور است، با زبانی نمدار: همبند پیداست که ناگهان در مولانا جذبه ای ساخته و کندن از بندگی گذشته اس را سبب شده است. اشارات مولانا در این باره متنوع و فراوان است.

منم آن ساکبان تورانیده کشته سرتابا همه دیده ویا:

بر چرخ سحرگاه یکی ماهیان شد از چرخ فرود آمد و در مانگران شد چون با زگره برآید مرغی به گوید از چرخ فرود آمد و در مانگران شد.

و اما تصویر شمس، بدون مولانا در دیوان شمس بلحاظ جنبه های عاطفی و ششور حال و در مشنوی بلحاظ معنوی و مسک شمس تا حدودی کامل میشود. در مورد مشنوی بی درنگ باید افزود که مولوی آنرا گرچه به توشیح حمام لدین آغاز کرد و بیابان برد ولی عماره ای آن، همان است که از نفس شمس به او رسیده. در اثبات این نظریه بدیهه ارتباط میان مشنوی و (مقالات شمس) که بیشتر از آن بعنوان یادداشت های پراکنده یاد شد، توجه کنیم. (ومثلاً) به قصه محمود و یاز که در "مقالات شمس" از آنجمله موارد ناقص است و تماماً در دره فترت پنجم مشنوی آمده است. و بیبا شرح باره ای از اشارات مهم در مشنوی که در (مقالات) به روشنی آمده است... و بهر حال افسوسی باقی میماند از اینکه چرا مواظ و (مقالات شمس) بکمال بدست ما نرسیده است. گرچه دلیل بزرگ این نقص، کوتاهی خود شمس است که خود آن را کوتاهی نمی شمارد، چرا که به نوشتن اعتقادی ندارد و نه تنها "نوشتن" که اغلب آداب مرسوم ظاهره درویشان و عرفا را به - بوده می انگارد و حتی از خاقانیه نیز روی نگردان است. بی سود نیست که در همان یادداشت های ناقص و پراکنده (مقالات شمس) گردشی داشته باشیم که از حال و قال او اطلاعات ذقیمتی بدست بیاوریم.

"من خود را مستحق خانقاه نمی دانم - این خانقاه جهت آن قوم کرده اند که ایشان را پروای بخشن و حاصل کردن نماند، روزگار ایشان عزیز باشد بسا آن نرسند، من آن نیستم در میان سخن بگوئیم، کلامی فوق العاده ساده و شیرین دارد و در عین حال از بختگی او در اندیشه و سخن روایت می کند. به او ایراد می کنند پس اهل چینی است که به خانقاه نمی روی، پس از اهل مدرسه ای جواب می دهد، در میان دنبال بحدش و این کار من نیست و اگر بخواهم بحث را کنار بگذارم و زلفظ آنها دور نشوم و به زبان خود بگویم بختند و توفیق کنند" و بدینگونه تکلیف مدعیان را روشن می کند و می گوید: "من غریب و غریب را کاروانسرا لایق است"

مسلم است که شمس در سخن بفا بیست، توانا است و شنونده را سحر می کند، شنونده ای حتی از قماش مولانا که خود از خداوندگار آن کلام است، در این باره مولوی بارها و بارها به "افسون کلام" شمس رای می دهد. و مثلاً "وقتی شمس از بدگویی و آزار و تهمت اهل قونیه به می رنجید و شهر را ترک می گوید مولوی به دوستانی که در پی اشرافانه شده اند توصیه می کند که مواظب سحر سخنان او باشند.

بروید ای حریفان بکشید یا ما را بمن آورید بکدم صم گریز یا ما را به ترانه های شیرین به بیانه های رنگین بکشید سوی خانه مه خوب خوش لقا را و گرا و به وعده گوید که دمی دگر بیایم همه وعده مکر باشد بعربسا و شما را دم سخت گرم دارد که بجادوشی و آسون بزند گره بر آب او و ببندد او هوارا

"مقالات شمس" با همان یادداشت های پراکنده و بخش های نیمه و نا تمام و قطعات گسخته ای که از آن مانده است، سر رشته مناسبی است که اگر به درستی و دقت دنبال شود، با احتمال زیاد دریچه های تازه بروی زندگی اسرار آمیز این پیر رنند و خروشان میگشاید. و تنها حدود زیادی سبب سفر را بقصد خاص دیدار با مولوی بدست می دهد.

صراحت دارد که جلال الدین (مولوی) جوان را آنگاه که برای تحصیل در دمشق بصر می برده، ملاقات کرده و ناآشنا از کنار او گذشته است، اما

با همان نخستین نگاه در وجود او و عوشاری چسته است.

"دشمن را حتماً بیدگفتا کرحب بولا - بیودی من از حلب خواستم بارگردیدن از دوران کودکی خود می گوید - و بسا است که از همان زمان عوالم رندی در ذات او خرده خرده رسوب می کرده چندانکه در نوجوانی جوانی حالاتی غیر دیگران داشته است.

"از عهد درگی اس داعی را ارمه ای عصا افتاده بود، کس از حال داعی واقفنی، پدرش از من واقفنی" پدر را فوق العاده دوست دارد، ولی در راستای خود نمی بیند. پدر به او میگوید: تو که دیوانه نیستی اما نمی دانم چه روش داری" معلوم است که پدر فرزند را درک نمی کند و با او بیگانه دارد اما در قصه ای جالبی برای پدر نقل می کند، قصه آن مرغ خانگی که چند تخم مرغ باقی را زیر او می نهند و چون "بظبجان از تخم بیرون می آید، مادر را بسه لب جو می آورد و خود در آب می شویند" مادرش، مرغ خانگی است، لب لب جو می رود، امکان در آمدن در آب نی در برابر جوگان خود متعبر میماند.

کاری از دستش ساخته نیست متعبر می شود - آنگاه که قهقهه یان می کیبرد روبه پدر می کند و می گوید "اکنون ای پدر من دریا می بینم مرکب من شده است و وطن و حال من اینست اگر تو از منی یا من از تو ام، درآ در این دریا - و اگر نه، برو بر سر گمان خانگی و این ترا آویختن است" پدر می گوید "با دوست چنین کنی، بسا دشمن چه کنی؟"

در زمینه های طبیعتی جنگ مذا هسب را بسخره می گیرد، هیا هوئی برای هیچ و این همان فکری است که در قهقهه های متعدد مشنوی با زتاب یافته است. حکایت و اعطی را می آورد - از صبیحان آیات قرآنی را با تفسیر خود تفسیر می کند و می گوید: "وای بر آن کس که خدای را بدین صفت تشبیه کند - عاقبت او دروغ باشد. هفته ای دیگر و اعطی دیگر سنی مذنب به منبر میرود و همان آیات را بشیوه خود تفسیر میکند. می گوید: "که هر که تشبیه گوید کافر شود... مردم سخت می ترسند و گریبان به خانه ها بازمی گردند."

"آن یکی به خانه آمد، افطار رنگرد به کنج خانه سر برآشون باد، بر عادت طفلان گردا می گشتند - می رانند هر یکی را و با ننگ بر میزد - همه (طفلان) ترسان بر مادر جمع شدند - عورت آمد، بیست او نشست، گفت: بخواه خبر است، طعمم سرد شد، نمی خوری؟ کودکان را زدی و راندی، همه گریه کردند - گفت: بر خیز از پیشم که مرا سخن فرازمی آید، آتش در من افتاده است، گفت بدان خدای که بدو میدواری که در میان نهی کس چه حال است؟ - تو مرده صوری، و ترا واقعه صعب بسیار پیش آمده، صبر کردی و سهل گرفتی و توکل برخدای کردی، خدا آن را از تو گذرانید و ترا خوندل کرد. از بهر شکر آن هارا، این رخ رانیز به خدا حواله کن و سهل گیر، تا رحمت فرواید، مرد را رقت آمد و گفت: چه کنم؟ ما را عاجز کردند، به خان آورده - آن هفته آن عالم گفت: خدایا بر عرض دا نیده هر که خدای را سرورش نداند، کافر است و کافر میرسد. این هفته عالمی دیگر بر تخت رفت، که هر که خدای را بر عرس گوید یا به خاطر گذراند به قصد که سرورش است یا بر آسمان است، عمل او قبول نیست، ایمان او قبول نیست، منزله است از مکان. اکنون ما کدام گیریم؟ بر چه رژیم؟ بر چه میریم؟ عا جزدیم! زن گفت: ای مرد هیچ عاجز مشو، ز سرگردانی میندیش، اگر بر عرش است و اگر بی عرش است، اگر در جای است و اگر بی جای است، هر جا کس هست عرش دراز باد! - دولتش باینده باد! تو درویشی خویش کن و از درویشی خود اندیش.

در باره شمس و "مقالات شمس" بیشتر از این با دیدگفت، تا فرصتی دیگر.

در این نوشته: از این مآخذ خذیم: سره گرفتیم: مشنوی مولوی - مشنوی ولدی - کلیات شمس - رساله در تحقیق احوال مولانا جلال الدین محمد شاه - لیذا استاد بدیع الزمان فروزانفر - مناقب افلاکی - ابن بطوطه - مچی الدین عبدالقادر - دولت شاه جامی - مقالات شمس تبریزی تصحیح محمد علی مزهد.



نامه‌ها و نوشته‌ها



خمینی کیست؟

بیانات و فرمایشات ادیبان و روشنفکران و رهبران انقلاب اسلامی "حاج آقا روح‌الله خمینی" را که در شماره ۸ دوره جدید سنی و کوشی که وسیله آقای هوشنگ محمود برای ترجمه و تفهیم این بیانات در برابر بزرگان فارسی بعمل آمده بدون بازهم نظور که باید و شاید مفهوم نگردید؛ این موضوع مرابری آن داشت تا چند سئوال از سردمداران جمهوری اسلامی برای شناسائی هرچه بیشتر حاج آقا روح‌الله مطرح نمایم و از آن‌ها تقاضا دارم لطف فرموده به سئوالات مطروحه پاسخ مکتفی و روشن عنایت فرمایند.

(...) چگونه است پس از حدود ۷۰ سال که از ورود حاج آقا روح‌الله خمینی به ایران و تأسیس حکومت تحمیلی اسلامی می‌گذرد ایشان تاکنون حتی برای نمونه هم که باشد در هیچ یک از صحنه‌ها سخنرانی و وعظ و خطابه و فتوا و اعلامیه که صادر کرده به کوچکترین آیه سوره یا حدیث نبوی اشاره نکرده و ذکری ننموده و برای تأیید گفته‌ها و نوشته‌های خود چون دیگر رهبران آریات بیانات استناد نکرده است. آیا این کمبود بهترین دلیل مقتضی و مستدل نیست که ایشان علاوه بر نداشتن زبان فارسی زبان عربی را هم که قاعدتاً با بیستی بخوبی بدانند، به درستی نمی‌دانند (در حالیکه پیروانش در بسو و ورود او ادعای کردند که ۷ زبان زنده دنیا را بخوبی می‌دانند) (...) طبق احادیث و دستورات و تفاسیر آری حج اسلام بر هر مسلمان مستطیع واجب و لازم است حداقل در هر سال یا مطلقاً خودشان برای استخوان سبک کردن یکبار به زیارت ماکن مقدسه همچون مرتضی امام رضا، امام حسین، امیرالمؤمنین حضرت مصوم، زینب و دیگر امامان و امامزادگان نائل شود و از فیوضات آن‌ها بهره‌مند گردد. چه علت دارد و چگونه است که آقای حاج آقا روح‌الله خمینی در ظرف مدت ۷ سال زیارت هیچ کدام از این قبیل اماکن حتی شاه عبدالعظیم که در چند کیلومتری قلمه‌جماران است شرفته است؟

الف - ف

خون آزادی

(...) فضای ایران بوی تعفن و مرگ و نفرت می‌دهد. در همان شب‌های سیه‌زاد فرتوت که نغمه‌های غم‌آگین دشمن از گران‌بانه‌های آسمان برمی‌خاست، این خمینی که گورکن بی رحم، و مترسک‌ها بی‌شکری پاسداران وحشت‌اند تجمع همسایگان و محبت‌های سیاسی را منع میکردند و در غیر این صورت توگرا نشان هرنوع و خوشگسری را می‌توانستند انجام دهند. آیا این مرگ تدریجی و یا به گفته دیگر سو استغاده نیست، که "خوب‌الله" همچون سگانی با اجازت‌ها برایشان در همان شب‌های وضعیت قسوسن بنا "نارنجک" به خانه ما حمله کند؟ قسمتی از حیاط و ریختن شیشه‌ها و سقف و همسایران همه سکنه بدری بزرگ بهیچانم که در نهایت به مرگ او منجر شد. جنایت نیست؟ این زنده‌بگسوری نیست که عمده مرگ آخرین خمینی بی‌علت "بدحجابی" اهل خانه بودی گنجگاه آدمی می‌گذارد؟ عذاب و ترس و وحشت نیست که خانه‌ها تحت کنترل مزدوران خمینی باشد؟ من از این همه تضا و دویدختی ایران دلم بسدود

حاج تمام با صحنی اربابان و خاندانان عرب حفظ برای بازتابیدن نظرات و عقاید و سبب‌های شخصی نویسندگان با مدعا است. یادآوری سوزناک و سراسیمه‌ها و نوشته‌های خوارانگ و لژوما "نه معمای موافقت و همراستی ارکان مرکزی سبب" بنا بر مدعا است. این منجانب در جنبه با زبان تند و نظرات و عقاید گوناگون و سوزناک و سوزناک است.

بی آیدومی نالم و فریاد می‌زنم. فضای ایران آغشته خفقان و خون و هراس است.

آزادی بیسان کلی بزم‌مرده شده و شهنشاه خون و کین دوستان است که می‌توانند درخت آزادی را آبیاری کنند تا با ریگر طراوت و زیبائی بیایران بازگردد.

انسان بدون آزادی، مرده است. متحرک "به یاد سخن یکی از بزرگان افتادم آنجا که می‌گفت "خداوند هنگامی که کالبد مرا می‌ساخت تورا ای آزادی به جای روح در من دماد. بی مجامله بگویم که ما درس انسانیت و وفا و یکپارگی و آزادریستن را از شما می‌آموزیم و میدانم به کمک و همبستگی احتیاج داریم تا خودمان را با شرایط سخت وفق دهیم و سختی‌ها را با بهجت و بهریم تا در عرض درآینده‌ای نزدیک و روشن این آموختنی‌ها را به دیگران بیاموزیم و درس نلک، عبرت، جدیت و انسان دوستی دهیم.

با پیروی از دکتر مصدق - که با بررسی سوابق او در باره فتنه آزادی‌طلبی که ۷۰ سال برای آزادی جنگید و درود بر روان پاکش باد و پیشرو راه او را در مرد دکتر بیخنتار "یکی از طرفداران نهضت مقاومت ملی هستیم" ظاهرًا "قانونی ولی در اصل پنهانی و قاچاق از ایران فرار کردیم (۷ ماه پیش)

اقافه برای این شناخت بیشتر روزنامه و مجلات شما را مطالعه می‌کنم ما برای جلوگیری از "اقافه" بودجه برای سازمان "از روزنامه‌های برادرم استفاده می‌کنم. بهر حال اگر مایل باشید که مطبعت ما مایل هستید من می‌توانم با حوادتی که برای خودم و طرفایم نظری داده است اطلاعاتی در اختیار شما قرار دهم. تا بهتر و بیشتر" جناب سبب تا رژیم سفاک خمینی آشکارا گردد.

سوشد - سوس

قیام ایران - هموطن گرامی، به اشتیاق بسیار منتظر گزارشی شما در باره وطن و هموطنان هستیم. خواهش میکنم گزارشیان را مستقیماً بر من ارسال کنید. مستنداً تا دقیق فراهم کنید. بیجا پیش از لطفتان سپاسگزاریم

مبارزان مستعار

می‌بینیم که انقلاب فکری در ایران به سامان رسیده است و وقتی نامه‌ها و نوشته‌های مردم را در روزنامه می‌خوانیم و یا با صحبت‌های مردم می‌شنویم متوجه می‌شویم که مردم ما شنیده‌ها تنها شنیده و یا خوانده نیستند. و این انقلاب فکری لااقل نتیجه مثبت آن این بوده که مردم آنچه را که حس می‌کنند می‌گویند و یا می‌نویسند و این جای بسیار امیدواری است. اما آیا این انقلاب فکری این مردم گوینده و نویسنده را بدین فکر انداخته است که لااقل برای فکر خود که به یا می‌گوئی و آن را بر زبان می‌آوری و یا می‌نویسی و آن را بجا می‌رسانی - احترام قائل شوی؟ بطور مثال نامه‌هایی را در روزنامه‌ها می‌خوانیم که واقعا "شور و هیجان وطن پرستی و ملی‌گرائی از آنها سراسر می‌کنند اما این مردم پرشور در آخر نامه خود نوشته: خود ما هم می‌فرمایند: م - د و یا (یکبار از دوستداران ایران) آنگاه نامی نمی‌کنند که پنهان شدن در بی‌نام‌های ساختگی از ارزش نوشته‌ها و نامه‌ها بسیار می‌کاهد و دست‌کم نشان از بی‌اعتقادی نویسنده‌ها به عقاید خودشان دارد؟

اثریش - جهان‌شید - لشگری

دشمنان

مردم محکوم کرده‌اند. اما این باستان کارنسس و صف ایران خوب میدانند که چه راه برار سنگلاخی درسی دارند برای اینکه با کورهای دیگر همسان رضاری را داند با اینکه امروز با او میکنند، حتی نجاس که آن روز با او اسم همدان این کشور را چه مواضع مخالف و جدی، منسکند تا مردم ایران در آینده به خندان دورنگند خود را مان‌ها بدانند.

سوی باخوبان درم آخوندی آبخسان آزار دهنده است که سازمان ملل متحد هم باخار به نرسید خود را نو آمدوسه محکوم است آن رای داد ولی جای تعجب است که عدای از کورها روی مصالح آسی خود را بکوجه علی چه رده‌اند و رای منسج دادند بدوسه کور معلوم الحال هم رای مخالف دادند بدولی با منسج اس احوال اکثریت کورها با ۵۳ رای رژیم منحوس آخوندی ایران را باخاطر رخروا زار و سکنج وصل و عارت و سوزانن نیست شکیک سد آرا -

- رای منست**
- ۱ - آنتی گوا - باربودا ۲ - آرزواتین
 - ۲ - استرالیا ۴ - اتریش
 - ۳ - باربادوس ۶ - بلژیک
 - ۴ - بلژ ۸ - بولیوانا
 - ۵ - کانادا ۱۰ - شیلی
 - ۶ - کلمبا ۱۲ - کستاریکا
 - ۷ - دانمارک ۱۴ - جمهوری دومینیکن
 - ۸ - ال سالوادور ۱۶ - کینه استوا بی
 - ۹ - ای سی ۱۸ - فنلاند
 - ۱۰ - فرانسه ۲۰ - یونان
 - ۱۱ - آلمان غربی ۲۲ - گوانا دا
 - ۱۲ - هندوراس ۲۴ - ایلند
 - ۱۳ - عراق ۲۶ - ایرلند
 - ۱۴ - اسرائیل ۲۸ - ایستالیا
 - ۱۵ - جامائیکا ۳۰ - اردن
 - ۱۶ - کوبا ۳۲ - لوتو
 - ۱۷ - لوکزامبورگ ۳۴ - موریش
 - ۱۸ - مکزیک ۳۶ - هلند
 - ۱۹ - زلاندنو ۳۸ - نروژ
 - ۲۰ - سان مارینو ۴۰ - باراکوند
 - ۲۱ - سرور ۴۲ - برتغال
 - ۲۲ - رواندا ۴۴ - سنت کریستوفر
 - ۲۳ - سنت وینسنت ۴۶ - سامور
 - ۲۴ - اسانیا ۴۸ - سوئد
 - ۲۵ - اوگاندا ۵۰ - سوئو
 - ۲۶ - بریتانیا ۵۲ - ایالات متحده آمریکا
- ۵۳ - ونزوئلا

- رای مننی**
- ۱ - آلبانی ۳۳ - الجزایر
 - ۲ - آنکولا ۳۴ - بحرین
 - ۳ - بنگلادش ۳۶ - چین
 - ۴ - برونئی ۳۸ - جمهوری
 - ۵ - کوبا ۴۰ - یمن جنوبی
 - ۶ - اندونزی ۴۲ - ایران
 - ۷ - کویت ۴۴ - لیبی
 - ۸ - مالزی ۴۶ - لیبیا
 - ۹ - پاکستان ۴۸ - لیبنان
 - ۱۰ - قطر ۵۰ - رومانی
 - ۱۱ - عربستان سعودی ۵۲ - سیرالئون
 - ۱۲ - سومالی ۵۴ - سوئد
 - ۱۳ - سوریه ۵۶ - ترکیه
 - ۱۴ - امارات متحده عربی ۵۸ - نانزانی
 - ۱۵ - یمن شمالی ۶۰ - نیجر

- رای منست**
- ۱ - باهاما
 - ۲ - برزیل
 - ۳ - برونئی
 - ۴ - کاترون
 - ۵ - آفریقای مرکزی

سازمان هنری

" سازمان هنری پارسیز " از لندن یک نسخه از کتاب لوگ کاست های موسیقی ایرانی را که برای عرضه به بازار آماده کرده، برای ما ارسال داشته و خواسته است که آغاز فعالیت این سازمان را به اطلاع هموطنان برسانیم. فهرست کاست‌های مذکور در این بروشور طیف وسیعی از موسیقی اصیل ایرانی - برنا‌های گوناگون - ترانه‌های فولکلوریک - ساز تنبک و غیره را دربر می‌گیرد. در مقدمه بروشور آمده است: " پارسیز افتخار دارد که تصدیق‌دهی از جالبترین ترانه‌ها و آهنگ‌های بسیار قدیمی و فولکلور ایرانی را که یادگاری گرانبها از بزرگان و ما در آن گذشتگان هنرمند ما است گردآوری و در دسترس هموطنان عزیز قرار دهد.

- سوس - لندن ۵ رابوید ۸۶
- ۱ - کیکو
 - ۲ - اکوادور
 - ۳ - ایتالی
 - ۴ - کانادا
 - ۵ - هندوستان
 - ۶ - ژاپن
 - ۷ - لیبیا
 - ۸ - مالدیویز
 - ۹ - مالت
 - ۱۰ - نرال
 - ۱۱ - عمان
 - ۱۲ - سلیمان
 - ۱۳ - سرلانکا
 - ۱۴ - سکا بور
 - ۱۵ - تایلند
 - ۱۶ - تونس
 - ۱۷ - ژنیر
 - ۱۸ - زیمبابوئ
 - ۱۹ - اسپان
 - ۲۰ - افغانستان
 - ۲۱ - بلغارستان
 - ۲۲ - چین
 - ۲۳ - کره شمالی
 - ۲۴ - دومینیک
 - ۲۵ - آلمان شرقی
 - ۲۶ - کاتالان
 - ۲۷ - هائیتی
 - ۲۸ - لاتوی
 - ۲۹ - مبولسان
 - ۳۰ - موزامبیک
 - ۳۱ - نولومد
 - ۳۲ - جزایر سلیمان
 - ۳۳ - اوکراین
 - ۳۴ - اروگوئه
 - ۳۵ - ویتنام
- با اطلاع خوانندگان عزیز می‌رسانیم آنچه که در لیست جلب توجه می‌کند همراستی کورهای کمونیتی و بارای از کورهای عربی رژیم اسلامی ایران است. رای منسج منسج مواضع مخالف و جدی، منسکند تا مردم ایران در آینده به خندان دورنگند خود را مان‌ها بدانند.
- هموطن عزیز،**
- اسامی کورهای شرکت کنندنده در رای کیری اجلاس سازمان ملل متحد را ملاحظه می‌کنید. ۵۳ کور رای سسر محکومیت جمهوری اسلامی در دسترس است. رای سسر داده‌اند. چهل و پنج کور بر لند جمهوری اسلامی و سی و یک کور غایب بوده‌اند.

Parsees
45 THE DRIVE, BECKENHAM
KENT, BR3 1EE (England).
Tel: 01-658-7598

اعتصاب صبح روز ۲۳ تیر شروع شد دولت بلا فاصله حکومت نظامی در همه استان اعلان کرد و بعنوان اینکه اعتصاب مخالفت مضررات حکومت نظامی است...

اعتصاب ابتدا با آرامی مین رفت و قسمت عمده روز ۲۳ تیر بدون وقوع هیچ حادثه گذشت اما طرف عصا که عده زیادی از نظامی ها و کارکنان به جلوی نگاه اتحادیه...

روز ۲۴ تیر نخست وزیر قوام برای خواباندن غائله متوکل به حزب توده و دودونفر از سران حزب و اتحادیه (دکتر آدمیر و جودت) راهبرها با نمایندگان خود...

ساری در نتیجه این اعتصاب شرکت نفت متوجه شد به اینکه ناراضی کارگران منبع خطر بزرگی برای خود شرکت است و در صدد اجرای برنامه‌هایی برای بهبود وضع کارگران و جلب رضایت آن ها برآمد...

در نتیجه دوم سال ۱۳۳۵ که رابطه حکومت قوام با حزب توده قطع و حزب دموکرات ایران وارد صحنه سیاست شده بود نفوذ حزب توده و شورای متحده در کارگران روبه تقویت می‌گذاشت...

با وجود تغییر روی دولت نسبت به حزب توده و شورای متحده و انحطاط سازمانی آن ها بین سال ۱۳۳۵ و ۱۳۳۸ هیچگونه تغییری در تصمیم آن ها پیدا نشد...

در همان تاریخ مشاور امور کارگری سفارت انگلیسی وضع کارگران شرکت نفت را با اینکه گزارش داد که کارگران امیدوارند رهبران توده برگردانند...

طی یک سفر در شرکت نفت انگلیس در حدود ۹۵ درصد کارکنان آبادان عضو حزب توده هستند...

مصادق ونهضت ملی ایران در کساکش چپ و راست آغاز نهضت ملی

در فروردین ماه ۱۳۳۵ در دوران کوتاه حکومت علا اعتصابی در آغا چاری رخ داد که ما آنرا به عنوان یک واقعه مهم در آستانه ملی شدن صنعت نفت شرح می دهیم...

اعتصابهای دیگر

کارگران بندر مسرور در برابر این عمل شرکت اعتصاب کردند و اعتصاب بزرگی به دو ناحیه دیگر یعنی آغا چاری و نفت سفید سرایت کرد...

گردید. در تاریخ ۲۶ فروردین دکتر محمد طی تلکرافتی خطاب به هیئت مدیره اعتصاب کارگران وعده داد که برای احقاق حق کارگران اقدام بعمل خواهد آمد...

اعتصاب در ابتدا از یک ناراضی واقعی و ملی جزئی ناشی شد. اما در حدود سی نفر اخلاک توده ای ز نقاط دیگر خوزستان رفتند و اختلاف را دا من زدند...

بی طرف میان شرق و غرب

سفیر در همین گزارش که یک ماه بعد از انصاب دکتر مصادق به نخست وزیری نوشته شده روش دکتر مصادق را بسیار روشن تر می کند (کوتاه مدت) قبلی حسین علا این گونه مقایسه می کند...

پیدایش جنبه ملی

بطوری که فیلا گفته شد در اوایل سال ۱۳۳۸ تحولاتی صورت گرفت که علامت تقویت وضع دولت و مقام سلطنتی تصور می شد...

طرد زنان از جامعه



وزارت آموزش و پرورش
مستادین طرح کاد

دفاع از اهمیت رشته‌های فنی و حرفه‌ای

... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

به این ترتیب تنها زنان در مرحله...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

پراگماتیک‌ترین اقدام می‌دهد...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

به عبارت دیگر هدف از این برنامه دور...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

است. زیرا بر اساس اعتقاد است...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

حتماً در مورد متنوع کردن رشته‌ها اقدام...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

خواهران به اجتماع باید حتماً...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

خلاصه اینکه چه سعادتی نصیب دختران...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

ایران شده است که بر اساس...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

این همه هوش و ذکاوت و دوراندیشی...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

ابتکاراتی بی نظیر حاصل می‌کند...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

زنان تحصیل کرده و دارای شور و نشاط...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

در شماره قبیل با اشاره به قانون...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

اجرای این طرح از سال ۱۳۶۱...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

آغاز و بدین منظور نیز مرکز...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

پروژه‌های اجرا در گام دوم...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

این طرح تربیت افراد متخصص...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

است. به عبارت دیگر با اجرای این...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

برنامه در سطح دبیرستان جوانان...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

آشنا شدن به فنون و داشتن تجربه...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

حرفه‌ای وارد اجتماع می‌شوند...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

البته این ظاهر قضیه است و ولی در...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

عمل آنجا تفاوت فاحش بین...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

برنامه‌های آموزشی دختران و پسران...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

قابل مشاهده نتیجه اجرای این طرح...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

به‌خانه‌نشینی مطلق دختران منتهی...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

خواهد شد. به این ترتیب که در طرح...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

"گام دوم" دختران فقط می‌توانند...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

هفت رشته اصلی آموزشی به‌تخصیص...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

بپردازند: خیاطی، گلدوزی، بافتنی...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

و آشپزی و رشته‌های دیگری همچون...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

معلمی، بهداشت و کمک‌های...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

اولیه...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

آموزش خیاطی و گلدوزی در سال...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

اول و دوم نظری اجباری است و سال سوم...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

رشته‌ها تخصصی می‌شود. برای اینکه...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

از اجرای این برنامه‌ها تمییز...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

می‌دارد زیرا برادرنا مرده می‌گوید...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

... مانی نمی‌شود مگر آنجا که...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

را بر آموختن رشته‌های فنی و حرفه‌ای...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

در اجتماع کنیم...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

نتیجه آنکه زنان از داشتن شغل و...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

حرفه محروم خواهند شد. البته به غیر از...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

حرفه‌ها ندارند که آن هم تنها در...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

حرم‌ها و اندرون‌ها به‌نجاسم آن...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

مجا خواهند بود...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

برادرنا در همان ادا می‌دهد...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

... طرح کاد قدم اول را بر...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

می‌دارد و این طرح در مورد نفوس...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

تربیتی خواهد بود به‌عنوان مسأله...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

آسانه و مسائل تربیتی و بهداشتی کار...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

می‌کنند...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

به این ترتیب برادرنا مرده می‌گوید...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

حزب الهی لب مطلب را ادا می‌کند...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

دختران در آینده نزدیک در چهار رده...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

خانه محبوس و به‌آشنوی و بی‌چنداری و رفتن...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

روب مشغول خواهند شد. یعنی همان...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

سرنوشت شومی که هزاران زن ایرانی از...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

اولین روزهای به‌قدرت نشستن آخوند...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

از آن می‌فرساید. جالب اینجاست که...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

متولیان نا لایق حکومت ولایت فقیه...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

حتی قادر به اجرای این طرح هم...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

نمی‌باشند. زیرا آموزش خیاطی و...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

گلدوزی هم احتیاج به مربیان و وسائل...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

و امکانات دارد. مگر اینکه در جامعه...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

همین دلیل اجرای این برنامه...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

استفادات و مخالفت شدید دختران و...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

خانواده‌های آنها نیروی شده است. زیرا...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

ملت ایران هرگز از زنده نخواهد شد...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

فرزندان این سرزمین قربانی عقاید و...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

افکار رنجیده و ارتجاعی و اسکریانی...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

شوند که هیچ روی نمی‌خواهند...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

قرن هفتم میلادی فرا تریکا دارند...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

که گرم سر برود

مهر تو از جان نرود

حبر تو رو سپید را آزادی وطن...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

مردی همچون سلفه آتش سیردل...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

نست به حال این نماند...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

رهروان راه صدق است که جز با رستن...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

خون آنان مانع می‌بیند پستی آسمان...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

نموان شد. اهریمن صفات آن...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

خمینی خواستند با این عمل خود...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

طرفداران دکتر بختیار رونق...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

ملی ایران شوند ولی سارما همیشه...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

این سوخته است...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

آن حسان سپه‌سوار در دل و جان...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

کدکرم سرزود سپه‌سوار جان نرود...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

سروران محترم، چندی سپر درو...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

قیام ایران درج شده بود که رژیم...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

شعدادی از مذهب یون قسری ترکیه...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

ایران برای اعمال پلیس خود...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

می‌دهد و من فکر می‌کنم که تروریست...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

احتمالاً زیاد همان ترک‌های متعصب...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

ترکیه که آموزش دیده‌اند، چون...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

خدمتی پلیس همیشه تعدادی قسری...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

کشورهای مختلف برای برنام...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

آموزش می‌دهد و به نظر من باید به...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

اطرافیان، زیرکی به جرح داد...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

خارجی‌ها را برای تروریست‌های دیگر...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

می‌فرستد. مثلاً نولند، فدر...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

دکتر بختیار در فرانسه و با...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

دیگر، چون یک تروریست در کور...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

بهرتری شوند عمل کند در کور...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

دیگر، فقط سفارت ایران نقش...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

ارسال کننده اسلحه را می‌تواند...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

باشد...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

من به عنوان یک ایرانی تفاهت...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

که برای حفظ جان سران نیست...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

اصحیحی بیشتری به عمل آمد چون...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

افراد امید همه وطن پرستان...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

خواهند بود. شما معتقد به این...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

اصل مهم بوده که همیشه باید...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

بیرگیری بود درمان. چنان...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

تروریست شستشوی مغزی شده و متعصب...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

هیچگاه از قبیل خبر نمی‌کنند و هر...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

لباسی هست. (...)
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

مرتضی - محمد رثانی

فرهنگ نام

شماره اول فصلنامه "فرهنگ نام"
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

نشان از کوشش گروهی از ایرانیان...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

با زبانه شدن جلوه‌های فرهنگ ایران...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

زمین در میان مدها را ایرانی آواره...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

دنیا دارند. "فرهنگ نام" که به...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

مدیریت سرکارانم مولود خنصری به...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

طبع و نشر آغاز کرده است...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

را متعلق به همه فرهنگیان، فرهنگ...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

دوستان و پاس‌داران فرهنگ ایران...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

می‌داند...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

هدف فصلنامه "درج و نشر مقالاتی...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

که عامل شناختن فرهنگ و افزودن...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

غنا و ادب و هنر ایران است و طبیعتی...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

است که نشریه‌ای با چنین هدف...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

خود را به نشر مقالات ادبی محدود...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

بیل "برترنام شئون فرهنگ ایران...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

نظر دارد...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

شماره اول "فرهنگ نام" در به...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

مقالات، ترجمه و نقد و تحلیل کتاب...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

تنظیم شده است. در بخش مقالات...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

"فرهنگ و هویت ما" با "نوشتن...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

طلعت رکنی و "حق‌گزاران به پیشگاه...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

شیخ اجل سعدی "نوشتن" استاد محمد...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

جعفر محبوب، بیانگروه و شیوه...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

"فرهنگ نام" در ارائه منظره‌های...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

تاریخ، فرهنگ و ادب ایران است...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

موفقیت مدیر و نویسندگان فرهنگ...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

را از مصمم قلب آرزوی کنیم...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...



فرهنگ نام

سهند

فصلنامه "سهند" با طبع و نشر...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

چهارم یک سال کوشش فرهنگی خود...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

بشت سرگذاشته است...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

سهند، پس از یکسال تلاش در خارج...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

از کشور برای استنفا و فصلنامه‌ای...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

غیر وابسته به هیچ گروه و سازمان...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

سیاسی اینک می‌تواند به جمع بندی...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

بپردازد: "هدف ما، در کلی تربیتی...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

سطح، بدست آوردن و از آن پس...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

چهار رجب فکری" مکتب ملی و نیز...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

کردن و وجه نظری آن در "متن...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

زندگانی...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

اجتماعی مستقل ملی" است...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

این ضرورت را نویسندگان سهند...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

میدانند که "هنوز دستگاه...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

ما" از حد عاطفی و احساسی و...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

می‌فراتر نرفته است...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

با توجه به این توجیه، مقاله "در...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

وقوت جنبش ملی ایران"، گواه...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

کوشش‌های فکری نویسندگان سهند...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

است که تاکنون در چهار شماره...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

فصلنامه "سهند" با طبع و نشر...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

کوشیده‌اند، از برداشت‌های...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

احساسی و غرایز ملی، یک دستگاه...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

فکری فراهم آورند...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

با آرزوی موفقیت برای شورای...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

نویسندگان سهند، امید آن داریم...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

این فصلنامه در راه دستیابی به...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

پیروزی و سربلندی بیرون آید...
... تا زمانی که نیا زمینه خرابی...

فرهنگ نام
مجله ادب
زمستان ۱۳۶۶ - ۱۳۸۶
پیرس

خبرها

حسن کناشی موسیقی دان و استاد نوازنده "نی" که آثارش در قلمرو موسیقی ملی جاودانه ماندنی است، توسط مدهای از عمال رژیم اسلامی، در منزل مسکونی اش در اصفهان با زداشت و بدون دلیلی به کمیته هما یونش منتقل شد.

میدل ایست اکونومیک دا یجست: جمهوری اسلامی بر اساس موافقتی که با شرکت نفتی بریتیش پترولیوم در آبان ماه گذشته بعمل آورد ۱۵۰ میلیون دلار به عنوان خسارات ناشی از مصادره اموال آن "پس از انقلاب اسلامی" به شرکت مذکور پرداخته است. مطالبات این شرکت، از آبان ماه گذشته، بصورت نفت خام پرداخت شده است. بدین ترتیب خساراتی که ظرف چهار ماه گذشته از سوی جمهوری اسلامی به شرکت های نفتی خارجی پرداخت شده است به دو بیست و یک میلیون دلار می رسد و این غیر از ۱۱۵ میلیون دلاری است که شرکت شورون (آمریکائی) به عنوان خسارت از جمهوری اسلامی دریافت کرده است. شرکت رویال داچ شل، سه سال قبل مبلغ چهل میلیون دلار، شرکت نفتی فرانسه ش میابون دلار و شرکت دیگر فرانسوی بنام آلفا کی تن، در سال ۱۹۸۰، ۲۲۲ میلیون دلار خسارت از جمهوری اسلامی دریافت کرده اند.

خبرگزاری فرانسه ۲ فوریه: کشورگهی کورنبن کو، معاون وزارت امور خارجه شوروی که دیروز بدست علی محمدینا رتی، معاون وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، برای یک بازدید سه روزه وارد تهران شد، اظهار داشت که مقام های شوروی کمترش تما سهای سیاسی تهران - مسکو را به سود هر دو پایتخت می دانند. جنگ میان جمهوری اسلامی و عراق که اتحاد شوروی، نخستین سلاح رسان آن است، اوضاع افغانستان و نیز بیره برداری از گاز ز دریای خزر و بازگشت کارکنان روسی که در پی شدت گیری جنگ شهرها، ایران را ترک کردند، موضوع گفت وگوهای مقام روسی با مقام های جمهوری اسلامی بود. معاون وزارت خارجه شوروی، هنگام ترک تهران مذاکرات خود با مقامات حکومت اسلامی را "صریح، کامل و سازنده توصیف کرد.

خبرگزاری فرانسه ۴ فوریه: محسن رفیق دوست وزیرسپا با سداران ادعا کرد که در جنگ جمهوری اسلامی و عراق تنها ۵۰ تا ۶۰ هزار تن کشته شده اند. وی ادعا کرد که رقم مذکور، ناپدید شدن در جنگ را نیز در بر می گیرد که به گفته رفیق دوست ممکن است در عراق اسیر باشند.

۴۰۰ تن در مونیخ گره آمدند:

بزرگداشت حکومت بختیار

بقیة از صفحه ۱

امتیاز و اعتبار بختیار در میان مردم ایران ناشی از مبارزه قاطع او علیه استبداد، بینش دقیق او از اوضاع و احوال کشور، وفاداری خدشه ناپذیرش به آرمان های ملی باشکوهی سرخشان بر مواضع حق طلبانه و دفاع جانانه اش از حقوق ملت ایران است.

آقای علی شاکری، عضو شورای نهضت و مقاومت ملی ایران، در این اجتماع بزرگ بدرسش های بسیار در موضوع

نشانی:
QYAM IRAN
C. O. C. B.
17, bd RASPAIL
75007 PARIS
FRANCE

فرانسه مورد حمله قرار گرفته است

۱۳۶۲ است که ۷ کس و ۵۵ زخمی جان کد است. در این حال یک سازمان تروریستی دیگر در لبنان خواستار آزادی این سده تن شد. بدگزاران خبرگزاری فرانسه ریسرور، دیروز صبح با ساسی جنس با ساسی با دسریک خبرگزاری عری در سربوب، خود را واسندیدند زمان سرزمینی "سوم مارس" معرفی کرد و خواستار آزادی "اسین بناس"، "عبدالناصر سعادتی" و "وارواری کارسی چان" شد. طبق گفته ها ساسی کنت: "با اطمینان داریم بازمانی که زندانیان سازمان ها ورمیایندای در فرانسه آزاد شوند. گروهان های فرانسوی در سربوب آزاد نخواهند شد.

سازمان سوم مارس در ۱۷ آوریل کدسه مسئولین ایفجا ریسرور در سربوب در سربوب ساری، "سربوب" را سرعیده کردند بود.

سختگوی ساسی، فرانسوا سیران رئیس جمهوری فرانسه و حزب سوسیالیست آن کشور را مورد بدید قرار داد و گفت: "حاضرید ساسی مدکور هر چه رود سر آزاد شوند. فرانسویان آن را با خون خواهد پرداخت.

در این حال فرانسوا سیران در سربوب صانع مراسم را به بقایا سربوبها اعلام کرد.

رئیس جمهوری فرانسه که در یک مسکن سیاسی در سربوب لیل "نخ می کت" در مورد تروریسم و انتحارهای اخیر سربوب گفت: "فرانسه مورد حمله سربوب قرار گرفته است و ما باید با تمام امکانات از خود دفاع کنیم. فرانسویان باید از آن دفاع کنیم. باید جان در دفاع می خواهیم دولت فرانسه را در سربوب و موع گیری های سیاسی و دوستی های وادار به جدید نظریه سببی کنیم. ولی دولت جمهوری فرانسه حاضر نیست معامله نسبت وادکار عمومی فرانسه در از آن سربوب می کنند.

خبرگزاری فرانسه ۷ فوریه

"کمیته همسنگی با زندانیان سیاسی عرب و خاورمیانه ای" مسئولین سمت گذاری دیگری را دربار سربوب بدید گرفت. کمیته مذکور که روز سه شنبه سمت گذاری دربار سربوب و اتع در حجابان سازد لیزدرا سر عیده گرفته بود. دیروز جمعه - با ارسال دونا مد، حداکند به خبرگزاری فرانسه، علاوه بر سربوب کداریهای مذکور، مسئولین ایفجا را های کتاب سربوبی "سربوب" و "سربوب" و "سربوب" را سرعیده گرفت.

کمیته همسنگی با زندانیان عرب خاورمیانه ای "در این دونا مد که ظهر روز سه شنبه در یکی از محلات سربوب سب شده است با ردیکر خواستار آزادی سربوبیت خاورمیانه ای سده است که در فرانسه رسدای هستند و تهدید کرده است حتا سده آنها هر چه زودتر آزاد شوند به جرایمی که سده ادا شده خواهد داد.

من با سده نعت حسین است: "سود نقد در کتایف سربوبی سربوب هم کار ما بود. عبدالقادر سربوبی، اسین سربوبی و کارسی چان را آزاد کنید. امضا: کمیته همسنگی با زندانیان عرب و خاورمیانه ای.

در این سده دو کدگرام سربوبی بدکور مدکور حسین آمده است: "حتا سده آن ها هر چه زودتر آزاد شوند. سده های ما را رکلاریج، سربوب و سربوب سربوب خواهد شد.

حرج ابراهیم عبداللهد معروف به سربوب سربوبی مسئول ارتش انقلابی لبنان است که دو سال سربوبی در سربوب دستگیر شد. اسین سربوبی سربوبی در سربوبی طرفدار خمینی و عا مل سده ناطق حرام علیه جان سربوب سربوبی رهبر نهضت مقا و مت ملی ایران در سال ۱۳۵۹ است. در آن حادثه در سربوب از حمله یک پلیس جان خود را از دست داد. وارواری کارسی چان، رئیس سربوبی سربوبی اعضای از سوی ارس سربوبی آزادی سربوبی (معروف به آسلاست) و عا مل سمت کدسرداری در سربوب اولی سربوب در سربوب سده

در خانه ای بدون حق ملاقات در سربوب بسیار سختی زندگی می کرد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه ۸ فوریه: ژوئل کوفن، همسران پل کوفن روزنا مننگا فرانسوی که از اول خرداد ماه گذشته در سربوب به گروگان گرفته شده است، دیروز در راه انفجارهای اخیر سربوبی گفت: "هیچ دولتی نباید در مقابل اوچ گیری موج تروریسم تسلیم شود". وی که در حمله ای با رادیوی فرانس-انتر سخن می گفت افزود: اگر کسی که این سده ها

رقم ادعائی وزیرسپا با سداران به هیچ وجه قابل مقایسه با برآوردهای کارشناسان نظامی غرب نیست که تعداد کشته های ایران را حداقل ۵۰۰ هزار نفر می دانند.

ناپسانانی اجتماعی و اقتصادی در جمهوری اسلامی، تنها در یک مورد یعنی جراحی چون قاچاق و خرید و فروش مواد مخدر آثارش را در دهه های نشان می دهد.

بنا به اطلاعیه دادسرای انقلاب اسلامی، دردیما گذشته هزار اروپا نصدتن در ارتباط با قاچاق هروئین و تریاک دستگیر شده اند. از این تعداد بیست و چهار تن به اعدام و بقیه به زندان های یک تا هفتاد و پنج سال محکوم شده اند. رژیم نمی گوید با موا دمخدره کشف شده چه می کند، ولی خبرها در این زمینه حاکی است که این مواد توسط عوامل دیگری دوباره وارد بازار قاچاق در داخل و خارج می شود. از دیگر پدیده های وخامت بار جمهوری اسلامی افزایش جنایت و قتل، خودکشی و سرقت است که دست اندرکاران رژیم از انتشار آمار آن ها وحشت دارند.

این جرائم در زمانی تشدید شده که رژیم به صورت متشاع فساد اجتماعی بسا قی مانده اما ریاکارانه از اخلاق و تقوا و فضیلت دم می زند.

سهام آن دسته از کارخانه ها و مراکز تولیدی مصادره شده به تدریج در اختیار پدیده های تبلیغاتی و جاسوسی رژیم که برخی از آن ها بطور غیر رسمی فعالیت می کنند، قرار میگیرد. در پی دستور میرحسین موسوی پنجاه درصد از کل سهام شرکت مادر سده جورا بد استار لایت که در حال حاضر شرکت چوراب آسیا نامیده می شود، به بنیاد "الهادی" وی در صده بنیاد شهید واد گذار گردیده است. بیست درصد بقیه سهام را بنیاد دستخفا ن در اختیار گرفته است.

بنیاد الهادی واقع در جاده تهران نو، مرکز تجمع و رفت و آمد مزدوران و جاسوسان رژیم است که در پوشش یک سازمان تبلیغاتی - مذهبی زیر نظرهای غفاری اداره می شود.

آیت الله حاج شیخ محمدطاهر آل شیبیرخانی، روزنهمین ماه جاری پس از هفت سال تبعید در قم، به دورد حیات گفت.

آیت الله آل شیبیر از روحانیونی بود که با نندسای بیرونی مخالف رژیم که زندانی یا تحت نظر هستند، از سال ۱۳۵۸، در قم در تبعید به سر می برد و

رژیم آینده ایران، چگونگی ارتش در نظام ملی، مسأله دین و مذهب و نقش آن در جامعه آینده ایران، کیفیت تنوع افکار و کثرت گرای و همافکنی با سایر گروه های مخالف رژیم استبداد دینی پاسخ گفت.

در پایان اجلاس، قطنان سدهای در محکومیت تروریسم و باج خواهی تروریست ها و ستایش از موضع گیری قاطعانه و تسلیم ناپذیر رژیم جمهوری و دولت فرانسه در مقابل با تروریسم قرار شد گردید که به تمویب همه شرکت کنندگان در جلسه رسید. مراسم بزرگداشت ۳۷ روزد مگرای حکومت بختیار با بخش سرود ایران پایان یافت.

توربینها

"تروریست های رژیم خمینی که در دوماه اخیر چپا رنفر از اعضا نهضت مقاومت ملی ایران را در ترکیه و ایران به قتل رسانده اند، اکنون با بمب گذاری در

جمهوری اسلامی

بخت پیروزی ندارد

بقیة از صفحه ۱

ژنرال فرانسوی در ادامه بررسی خود، می نویسد: با این همه مقام های دیگری در جمهوری اسلامی مانند حسین جلالی، وزیر دفاع، افسر حرفه ای و سده آیت الله عقیده دارند که تاریخ انجام تعرض بزرگ را باید دست کم حتما به تعویق انداخت. جلالی، وزیر دفاع از حمایت پازاریان برخوردار است. ژنرال "هانری ارو" در پایان بررسی خود، می نویسد: حقیقت این است که تعداد کمی از مسئولان جمهوری اسلامی امروز درمی یابند که در جنگ با عراق، احتمالاً راه حسل نظامی وجود ندارد. البته هیچ یک از آن ها جرات ندارند که علنا "اعتقاد خود را بیان کنند. آن ها بدین نتیجه رسیده اند که رژیم جمهوری اسلامی نیز میرم به شکست از سوی دیپلماتیک خود دارد، اما دیگر کار از کار گذشته است.

اکسپرس - دهم فوریه ۸۶

ایران هرگز نخواهد مرد